

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



خشت اول (مهارت‌های راهبردی تست‌زنی)

ریشه‌شناسی	دارای هم‌خانواده بدون هم‌خانواده (واژگان طلایی)
واژگان و املا	توصیف معنایی تک معنایی چندمعنایی توضیح واژه
۱- قلمرو زبانی	ترادف تضاد تضمن تناسب روابط معنایی
چشم‌انداز قلمروهای سه‌گانه در متون فارسی ^۱	ساختمان جمله الگوی جمله حذف فعل نقش‌های جمله شیوه بلاغی
دستور	هسته و وابسته ترکیب وصفی و اضافی وابسته وابسته
۲- قلمرو ادبی	آرایه‌های طلایی آرایه‌های نقره‌ای آرایه‌های برنزی
۳- قرابت معنایی	نقشه محتوایی کلیدواژه

قلمرو زبانی

۱- واژگان و املا

تعداد سؤال در کنکور: ۶ سؤال (۲۴٪)

با توجه به شیوه‌های طراحی سؤالات واژگان و املا، تنها با حفظ کردن آنها نمی‌توان به نتیجه رسید؛ بلکه باید به شگردهای طراحی این سؤالات توجه داشت. آشنایی با این شگردها می‌تواند داوطلب را از سرعت و دقت شگفت‌آوری برخوردار کند تا با مطالعه کمتر و هدفمندتر، نتیجه بهتری بگیرد. این شگردها در محورهای زیر قابل طبقه‌بندی هستند.

محور اول: ریشه‌شناسی

(آ) **دارای هم‌خانواده:** تعدادی از واژگان دخیل عربی هم‌خانواده‌هایی دارند که در زبان فارسی به کار می‌روند؛ از این رو، فهرست واژگان کتاب را ابتدا، باید از این نظر بررسی کنیم. بررسی معنا و شکل املائی واژگان براساس هم‌خانواده‌های آنها، ما را از زحمت حفظ کردن رهایی می‌دهد و با ایجاد شبکه‌ای از واژگان مرتبط در ذهن، در تشخیص درستی و نادرستی و معنای دقیق واژه در تست، یاریمان می‌کند.

مثال: مطاع: اطاعت‌شده / مطیع: اطاعت‌کننده / طوع: میل و رغبت / مطاوعت: پیروی کردن

در این نمونه «ط، و، ع» سه حرف اصلی واژه است که ترتیب این حروف در ساخت‌های دیگر، هم‌خانواده بودن آنها را نشان می‌دهد. با کمی دقت می‌بینیم، حوزه معنایی واژگان نیز به هم نزدیک است.

نکته ۱: گاهی واژگانی با وجود داشتن سه حرف اصلی مشترک، هیچ ریشه مشترکی با هم ندارند؛ این واژگان را می‌توان «هم‌خانواده‌نما» نامید؛ مانند: خیل و خیال / فروغ و فراغت / مدهوش و بی‌هوش / سرور و سور و ... که از دو زبان متفاوت (فارسی و عربی) ریشه گرفته‌اند.

نکته ۲: هم‌خانواده‌های ناشناس: گاهی معنای واژه هم‌خانواده، آن‌چنان تغییر پیدا می‌کند که تشخیص ریشه آن دشوار می‌شود؛ مانند: متانت، متن / مندرس، درس و ... در این موارد باید دقت بیشتری کرد و از واژه‌نامه‌ها یا دبیر، راهنمایی گرفت.

۱. دانش‌آموزان عزیز، خواندن این بخش برای آشنایی کلی با مباحث زبانی و ادبی مؤثر است و توضیحات کامل‌تر در ادامه خواهد آمد.

روش تعیین معنای دقیق و املاک درست واژه

برای تعیین دقیق معنا و املاک یک واژه باید دو گام اساسی برداریم:

○ **گام اول:** تعیین معنای واژه با توجه به جمله یا روابط معنایی آن در گروه کلمه؛

○ **مثال** انسان در دوره «حیات/ حیات» باید به فضل و دانش بیندیشد. با توجه به مفهوم و زنجیره معنایی واژگان این جمله، واژه «حیات» را تنها می‌توان معادل «زندگی» دانست.

○ **گام دوم:** تعیین املاک درست واژه با توجه به هم‌خانواده یا بدون هم‌خانواده (واژگان طلایی)؛

با بررسی هم‌خانواده‌های واژه حیات (حی، احیا) شکل درست املاک واژه هم به دست می‌آید. چون حرف «ط» (در حیات) در سه حرف اصلی هم‌خانواده‌های دیگر این واژه دیده نمی‌شود.

○ **نکته** اگر واژه هدف، هم‌خانواده‌ای نداشته باشد، از لیست بدون هم‌خانواده (واژگان طلایی) آن را به خاطر می‌آوریم؛ مثل واژه «باسق: بلند، بالیده» که هم‌خانواده‌ای در زبان فارسی ندارد.

محور پنجم: توجه به روابط معنایی

- ۱- ترادف ← هم‌معنایی؛ مانند: مخدول و خوار / مذلت و خواری
- ۲- تضاد ← دارای معنای متضاد و متقابل؛ مانند: عز و ذل / سعد و نحس
- ۳- تضمّن ← زیرمجموعه‌ای؛ مانند: سبز و رنگ («سبز» زیرمجموعه «رنگ» است).
- ۴- تناسب ← تداعی معانی؛ مانند: درع و خفتان / کهر و گزند

○ **روابط معنایی واژگان در گروه کلمه**

○ **نکته** با دقت در روابط معنایی واژگان در گروه کلمه می‌توان معنای دقیق آن را تعیین کرد. ○ **مثال** با وجود کلمه «مذلت» می‌توان فهمید، منظور «خواری» است و نه «خاری» (تیغ گیاه)

○ **نکته** در سؤالاتی که مستقیماً از روابط معنایی طراح می‌شوند، نوع واژه از نظر اسم و صفت و جمع و مفرد اهمیت دارد؛ یعنی نمی‌توان اسمی را با صفتی یا برعکس، دارای روابط معنایی شمرد. مثلاً، «مسرور» با «شادمانی» رابطه «ترادف» ندارد؛ بلکه با «شادمان» مترادف است.

الگوهای سؤالات واژگان در کنکور

الگوی شماره (۱): معنی واژه به ترتیب صورت سؤال

شگرد پاسخ‌گویی: رد گزینه

(زبان ۹۸)

نمونه ۱: معنی واژه‌های «گلبن، تیمار، شب‌رو، هُزّا» به ترتیب، در کدام گزینه درست است؟

- (۱) گل سرخ، اندیشه، راهزن، غوغا
 - (۲) گلستان، خدمت به بیمار، شب بیدار، غزش
 - (۳) بوته گل، پرستار، عارف، آواز مهیب
 - (۴) بیخ بوته گل، غم‌خوار، آشفته، صدای بلند
- ✓ **پاسخ:** گزینه (۱)؛ معنای نادرست: گلبن: گلستان (۴)؛ حذف گزینه (۲)، شب‌رو: عارف، آشفته (۴)؛ حذف گزینه‌های (۳ و ۴)

(ریاضی ۹۸)

نمونه ۲: «صاحب جمال، پسندیده، برتر، رواق» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟

- (۱) وسیم، قداست، فراسو، طبّق
 - (۲) قسیم، صواب، ماوراء طاق
 - (۳) جسیم، صواب، فایق، محراب
 - (۴) نسیم، صفوت، ماسوا، بخش قوسی هر چیز
- ✓ **پاسخ:** گزینه (۲)؛ صاحب جمال: وسیم، جسیم، نسیم (۴)؛ حذف سایر گزینه‌ها

الگوی شماره (۲): معنای صحیح‌نما

شگرد پاسخ‌گویی: دانستن همه معانی یک واژه

(تجربی ۹۸)

نمونه: در کدام گزینه، همه معانی مقابل واژه، درست است؟

- (۱) حرب: نزاع، شمشیر، نیزه
 - (۲) توقیع: فرمان، مهر کردن، نامه کوتاه
 - (۳) غیرت: رشک بردن، حمیت، تعصّب
 - (۴) مقرّر: معلوم، تعیین‌شده، اقرارکننده
- ✓ **پاسخ:** گزینه (۳)؛ معنای نادرست: (۱) حرب: نزاع (۲) توقیع: نامه کوتاه (۴) مقرّر: اقرارکننده (۴)

الگوی شماره (۳): دستکاری توضیح

شگرد پاسخ‌گویی: تشخیص مورد دستکاری شده

(انسانی ۹۸)

نمونه: معنی مقابل کدام واژه، کاملاً درست است؟

- (۱) ولیمه: طعمانی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.
 - (۲) پویدن: حرکت و جست‌وخیز برای مقصد نامعلوم
 - (۳) درهم: واحد پول طلا که ارزش آن، بیش از دینار بوده است.
 - (۴) دینار: واحد پول و سکه نقره که در گذشته رواج داشته است.
- ✓ **پاسخ:** گزینه (۱)؛ پویدن: حرکت به سوی مقصد برای به‌دست آوردن و جست‌وجوی چیزی (تلاش، رفتن) / درهم: دژم، مسکوک نقره که در گذشته به عنوان پول، رواج داشته است. / دینار: واحد پول و سکه طلا که در گذشته رواج داشته است.

الگوی شماره (۴): کمانکی - گزینه‌ای

شگرد پاسخ‌گویی: دانستن همه معانی واژه‌ها و توجه به واژه‌های هم‌خانواده و غلط‌انداز

(ریاضی ۹۸)

نمونه: در کدام گزینه، معنی مقابل همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) (ویل: ناله)، (هژیر: هوشیار)، (همت: کوشش)
 (۲) (تقریر: بیان)، (اشباه: سایه‌ها)، (مبتنی: ساخته)
 (۳) (شوخ: آلودگی)، (کام: زبان)، (استرحام: رحم کردن به کسی)
 (۴) (عرش: سایبان)، (تقریظ: فهرست کتاب)، (وقب: بالای کمر)
 گزینه (۱): معانی درست واژگان: (۲) اشباه: ج شبه، همانندان، ماندها (۳) استرحام: طلب رحم کردن، رحم خواستن (۴) تقریظ: ستودن، نوشتن
 یادداشتی ستایش‌آمیز درباره کتاب / وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم

الگوی شماره (۵): الفبایی یا شماره‌گذاری شده (معنای صحیح‌نما)

شگرد پاسخ‌گویی: دانستن همه معانی واژه‌ها و توجه به واژه‌های هم‌خانواده و غلط‌انداز

(ریاضی ۹۸)

نمونه ۱: تمام معانی مقابل کدام واژه‌ها، درست است؟

- (الف) مقرون: پیوسته، قرینه (ب) مؤکد: تأکیدشده، استوار (ج) متفق: موافق، همگرا (د) تمکن: توانگر، ثروت (ه) محجوب: پنهان، مستور
 (۱) الف، هـ (۲) ب، د (۳) ب، هـ (۴) ج، ب
 گزینه (۳): «الف»، مقرون به معنی قرینه / «ج»، متفق به معنی همگرا / «د»، تمکن به معنی توانگری درست نیستند.

(زبان ۹۸)

نمونه ۲: معنی مقابل کدام واژه‌ها با توجه به شماره، «همگی» درست است؟

- ۱- موالات: پیروی کردن ۲- شراع: سایبان ۳- ناو: دریاچه ۴- مقید: متین
 ۵- بور: شرمندگی شدن ۶- تحفه: ارمغان ۷- عارضه: چهره و رخسار
 (۱) ۳-۲-۱ (۲) ۶-۵-۱ (۳) ۷-۶-۴ (۴) ۷-۶-۵-۴
 گزینه (۲): معانی واژه‌های شماره‌های (۳)، (۴) و (۷) نادرست است؛ حذف سایر گزینه‌ها.

الگوی شماره (۶): گروه واژه‌های کمانکی - شمارشی

شگرد پاسخ‌گویی: تسلط بر معانی واژه‌ها و توجه به واژه‌های هم‌خانواده و غلط‌انداز

(هنر ۹۸)

نمونه: معنی مقابل چند واژه نادرست است؟

- (معجز: روسری) (فاحش: واضح) (حمایل: نگاه‌دارنده) (خستن: مجروح) (هریوه: ترسناک) (آزگار: کامل) (تعب: سرزنش) (روایی: رونق داشتن)
 (محفوظ: پست‌شده)
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
 گزینه (۳): معانی درست واژگان: خستن: زخمی کردن، مجروح کردن / هریوه: هروی، منسوب به هرات (شهری در افغانستان) / تعب: رنج و سختی / محفوظ: بهره‌ور

الگوی شماره (۷): روابط واژگانی (ترادف، تضاد، تناسب، تضمن و ...)

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به اسم یا صفت بودن هر دو واژه و در نظر گرفتن روابط معنایی آنها

(تجربی ۹۴)

نمونه: کدام گروه از واژه‌ها همگی «مترادف» هستند؟

- (۱) (غرامت و تاوان)، (افراط و تفریط)، (نحس و بداختر)
 (۲) (کهر و گزند)، (سفر و حضر)، (غزا و آورد)
 (۳) (صُور و سیر)، (انقباض و انبساط)، (مقهور و مغلوب)
 (۴) (فخر و مباهات)، (زخم و ضربه)، (مرهم و ضماد)
 گزینه (۴): تضاد؛ انقباض و انبساط - تضاد؛ حذف سایر گزینه‌ها

الگوی شماره (۸): واژه در بیت یا عبارت

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به معنای واژه با توجه به مفهوم جمله یا واژگان هم‌نشین

(تجربی ۹۱ با تفسیر)

نمونه: با توجه به عبارات زیر، معنی واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

- «چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت، نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند. بونصر نامه‌های رسیده را می‌فرستاد فرود سرای به‌دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر جواب می‌آورد. و عیسی (ع) بر سبیل تلطف، جواب را باز می‌داد که چنان‌که هستی برنشین و نزدیک من آی. ناگهان کبوتران، جمله در دام افتادند و صیاد، گرازان به تگ ایستاد.»
 (۱) محصولات زراعتی، آرام‌آرام، با نرمی، بتاز، در کمین ایستاد (۲) درآمد‌های دولتی، پنهانی، از روی خواهش، بتاز، خرامید
 (۳) عایدات مملکت، سریع، از روی مهربانی، سوارشو، دودن آغاز کرد (۴) پیشرفت امور، با سرعت، باملایمت، سوارشو، خرامان دوید
 گزینه (۳): «ارتفاع ولایت» در معنی «پیشرفت امور» نادرست - ردّ گزینه (۴) / «خیرخیر» در معنی «آرام آرام» و «پنهانی» نادرست - ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)

الگوهای سوالات املا در کنکور

الگوی شماره (۱): شمارش در گروه کلمه

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به رابطه هم‌نشینی و روابط معنایی میان واژه‌ها

(هنر ۹۸)

نمونه ۱: در میان گروه واژه‌های داده شده، املاي چند واژه، نادرست است؟

«ثنا و سپاس، غرض و نشانیدن، صفوت و برگزیده، تداعی و یادآوری، شیهه و آواز اسب، غاش و کوهه زین، آذرم و حیا، سریر و اورنگ»

- گزینه (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- پاسخ: گزینه (۲)؛ صورت درست غلط‌های املاي: غرض ← غُرس: نشانیدن و کاشتن درخت (رابطه معنایی: ترادف) / غاش ← قاش: قاش، قسمت برآمده جلوی زین، کوهه زین (رابطه معنایی: ترادف) / آذرم ← آزم: شرم، حیا (رابطه معنایی: ترادف)

(زبان ۹۸)

نمونه ۲: در کدام گروه واژه‌ها، غلط املاي مشهود است؟

- (۱) نثر فصیح، خطوه و گام، بذله‌گو و شوخ‌طبع
(۲) خوش‌الحان، مهمل و مهد، مطرب و نوازنده
(۳) طوع و رغبت، موجب سیادت، رشحه و قطره
(۴) حماسه سترگ، صلت و بخشش، صفیر و آواز
- پاسخ: گزینه (۲)؛ شکل درست واژه: مهمل ← محمل

الگوی شماره (۲): املاي واژه‌ها همراه با معنای آنها

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به معنای واژه‌ها و شناخت واژه‌های هم‌آوا

(تجربی ۸۶ با تغییر)

نمونه ۱: املاي صحیح کلمه‌ها به معنای «جویدن، زشت، شیپور، خواری، ترسناک» به ترتیب، کدام است؟

- (۱) مضغ، مذموم، صور، مذلت، موحش
(۲) مضغ، مذموم، سور، مذلت، موحش
(۳) مظغ، مضموم، صور، مزلت، موهش
(۴) مضق، مذموم، سور، مذلت، موهش
- پاسخ: گزینه (۱)؛ واژگان نادرست سایر گزینه‌ها: سور: جشن / مضموم: پیوست، همراه

الگوی شماره (۳): کمانکی - شمارشی

شگرد پاسخ‌گویی: تسلط بر هم‌خانواده یا واژگان طلایی

(انسانی ۸۶ با تغییر)

نمونه: املاي چند کلمه با توجه به معنای آنها، نادرست است؟

- (شبح: سایه)، (حازق: ماهر)، (صولت: هیبت)، (مخذول: زبون‌گردیده)، (مغان: موبدان)، (عبا: خودداری)، (غضنفر: شیر)، (ضیعت: زمین زراعتی)، (دها: زیرکی)، (باصق: بلند)
- گزینه (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- پاسخ: گزینه (۲)؛ شکل درست واژگان: حاذق، ابا، باسق

الگوی شماره (۴): املاي در عبارت یا بیت

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به رابطه هم‌نشینی واژه‌های عبارت یا بیت و شناخت هم‌خانواده، هم‌آوا و واژگان طلایی

(تجربی ۹۸)

نمونه ۱: در کدام عبارت، غلط املاي وجود دارد؟

- (۱) دل، ضعیفان مهمل نگیرد که موران به اتفاق شیر را عاجز کنند.
(۲) چاره ندید که با او به مصالحت گرایند و به اجرت کشتی مسامحت نمایند.
(۳) لعیم بدگوهر همیشه ناصح باشد تا به منزلتی رسد، پس تمتای دیگر منازل برد.
(۴) هر چند اخلاق او بیشتر آزمو، ثقت او به وفور کفایت فهم وی زیادت گشت.
- پاسخ: گزینه (۳)؛ لعیم ← لئیم (فرومایه، پست)

(فارغ از کشور ۹۸)

نمونه ۲: در کدام بیت، غلط املاي یافت می‌شود؟

- (۱) در اقلیم ایران چو خیلش بجنب
(۲) خراج اگر نگذارد کسی به طیب نفس
(۳) ولی ز باطنش ایمن مباش و غره مشو
(۴) همین دو خصلت ملعون کفایت است تو را
- پاسخ: گزینه (۴)؛ مردارخار ← مردارخور (مردارخورنده)

الگوی شماره (۵): املا در متن

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به رابطه هم‌نشینی واژه‌های در متن و آشنایی با غلط‌های رسم‌الخطی

(ریاضی ۹۵)

نمونه ۱: در متن زیر، املاي کدام واژه، نادرست است؟

«سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدى که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروت توقع کند و جاهلی که از سر سفاقت و غضب و حرص برنخیزد و الحاح ورزد که با نیکمردان برابر بود.»

(۱) سفاقت (۲) الحاح (۳) ثواب (۴) سنا

پاسخ: گزینه (۴)؛ سنا (روشنی) ← ثنا (ستایش)

(زبان ۹۱)

نمونه ۲: در متن زیر، چند غلط املايی یافت می‌شود؟

«مرا هیچ تدبیر موافق‌تر از صلح دشمن نیست که در ورطه بلا مانده است و بی‌معونت من از آن، خلاص نتواند یافت و شاید سخن من به گوش خرد استماع نماید و بر صدق گفتار من وقوف یابد که آن را به طمع معونت و مضاهرت، مصالحت من بپذیرد و هر دو را به برکات راستی و یمن مؤانست، نجاتی حاصل آید.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

پاسخ: گزینه (۱)؛ مضاهرت ← مضاهرت (یاری و پشتیبانی کردن)

دستور

تعداد سؤال در کنکور: ۵ سؤال (۲۰٪)

مباحث دستوری شامل دو مقوله مهم «جمله» و «گروه اسمی» هستند؛ هر یک از این مقوله‌ها به موضوعاتی تقسیم می‌شوند که به طور خلاصه، همراه با شیوه‌های طراحى تست و شگرد پاسخ‌گویی آورده می‌شود:

الف) ساده: جمله‌ای که پیام آن با یک فعل کامل شود. ← هوا گرم است.

ب) غیر ساده (مرکب): جمله‌ای که پیام آن با بیش از یک فعل کامل می‌شود و دارای جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) است؛

مثال اگر مقدمه کتاب را به دقت بخوانید، پرسش‌های چهارگزینه‌ای را بهتر پاسخ می‌دهید. (جمله مرکب)

پیوند وابسته‌ساز وابسته (پیرو) هسته (پایه)

جمله «وابسته» بعد از پیوند (حرف ربط) وابسته‌ساز (اگر، که، تا، چون، زیرا ...) می‌آید. پس برای تشخیص جمله وابسته (پیرو) حرف

پیوند را پیدا می‌کنیم و اگر حذف شده بود، جایگزین می‌کنیم؛ مثال گفتیم [که] غم تو دارم، گفتا [که] غمت سر آید.

وابسته (پیرو) وابسته (پیرو)

جمله‌هایی که پس از پیوند (حرف ربط) همپایه‌ساز (و، ولی، یا، لکن ...) می‌آیند، جمله هم‌پایه گفته می‌شوند. این پیوندها جمله مرکب نمی‌سازند.

نهاد + فعل ← علی آمد.

نهاد + مفعول + فعل ← من کتاب را خواندم.

نهاد + متمم + فعل ← او از تاریکی ترسید.

نهاد + مفعول / متمم + مسند + فعل ← مردم او را / به او پهلوان می‌گفتند. (پس او پهلوان است).

نهاد + مفعول / متمم + مفعول + فعل ← من او را / به او هدیه دادم.

الگوی جمله

بر اساس «ظرفیت فعل»

الف) به قرینه لفظی: جلوگیری از تکرار فعل ← هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات [است].

ب) به قرینه معنوی: آشکار بودن مفهوم فعل ← صبر درویش به از بذل غنی [است].

۱- کلمه شروع یا ابتدا (کلماتی که برای شروع مطلبی می‌آید): به نام آن که جان را فکرت آموخت [شروع می‌کنم]

۲- قسم: دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان، خدا را (به خدا) [قسم می‌خورم]

۳- جمله‌های تفضیلی (برتری دادن چیزی بر چیزی) ← جوی مشک بهتر که (از) یک توده گل [است]

۴- جمله تسویه (برابر دانستن دو چیز): هرکه بامش بیش، [باشد] برفش بیشتر [است]

۵- جمله‌های استثنایی یک‌جزئی و دو‌جزئی؛ ۱- یک‌جزئی ← کمک [کنید] ۲- دو‌جزئی ← شب خوش [باشد]

موارد پر کاربرد حذف فعل به

قرینه معنوی

الگوهای سؤالات دستور زبان در کنکور

الگوی شماره (۱): الگوی ساخت جمله (تعیین اجزای اصلی جمله)

شگرد پاسخ‌گویی: آشنایی با الگوی ساخت جمله و توجه به معنا و ظرفیت فعل در تعیین اجزا

(نمونه از کشور ۹۸)

نمونه: در کدام مصراع جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» یافت می‌شود؟

- (۱) بساز با من رنجور ناتوان ای یار
(۲) به غاز گر بخرامی جهان خراب کنی
(۳) به کام دل نرسیدیم و جان به حلق رسید
(۴) آب حیات من است خاک سر کوی دوست

پاسخ: گزینه (۲)؛ کردن (گرداندن) ← نهاد + مفعول + مسند + فعل

الگوی شماره (۲): ساختمان جمله (جمله‌های ساده، غیر ساده (مرکب)، جمله‌های وابسته و هسته)

شگرد پاسخ‌گویی: آشنایی با پیوندهای وابسته‌ساز و کاربرد آنها در ساختار جمله و تفاوت آنها با پیوندهای هم‌پایه‌ساز

(نمونه از کشور ۹۳)

نمونه: همه ابیات **په‌استثنای بیت** فاقد «جمله وابسته» هستند.

- (۱) بهار آمد و گلزار نورباران شد
(۲) برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر
(۳) ارغوان، جام عقیقی به سمن خواهد داد
(۴) زین پیش دلورا، کسی چون تو شگفت

پاسخ: گزینه (۲)؛ که ← پیوند وابسته‌ساز ← جمله مرکب

الگوی شماره (۳): حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی

شگرد پاسخ‌گویی: خواندن درست و دقیق ابیات و آشنایی با موارد حذف به قرینه لفظی و معنوی

(نمونه از کشور ۹۸)

نمونه: در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

- (۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
(۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
(۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار
(۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی

پاسخ: گزینه (۳)؛ در گزینه (۱)، فعل «است» بعد از واژه «فدا» به قرینه لفظی، در گزینه (۲) فعل «است» بعد از واژه «بِه» در مصراع دوم و در گزینه (۴) فعل «باشد»، بعد از واژه «آن» به قرینه معنوی حذف شده است.

الگوی شماره (۴): گروه اسمی (هسته، وابسته‌های پیشین و پسین)

شگرد پاسخ‌گویی: تعیین هسته گروه و شناسایی وابسته‌ها

(نمونه از کشور ۹۸)

نمونه: در عبارت زیر، چند «وابسته پیشین و پسین» وجود دارد؟

«دلم می‌خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند، همان کلمات شورانگیزی که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم.»

- (۱) سه، پنج
(۲) چهار، سه
(۳) چهار، چهار
(۴) پنج، چهار

پاسخ: گزینه (۳)؛ دلم (یک پسین) / این نغمه آسمان (یک پیشین / یک پسین) / همان کلمات شورانگیز (یک پیشین / یک پسین) / داناترین استاد جهان (یک پیشین و یک پسین) / یک لحظه (یک پیشین)

الگوی شماره (۵): ترکیب‌های وصفی و اضافی

شگرد پاسخ‌گویی: شناخت صفت‌ها و مضاف‌الیه‌ها

نمونه: در منظومه «مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند / که به یک شعله به یک خواب لطیف / خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود و صدای

(نمونه از کشور ۹۲)

پر مرغان اساطیر می‌آید در باد» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» یافت می‌شود؟

- (۱) سه، پنج
(۲) سه، شش
(۳) چهار، پنج
(۴) چهار، شش

پاسخ: گزینه (۴)

الگوی شماره (۶): وابسته‌های وابسته

شگرد پاسخ‌گویی: حذف هسته و بررسی گروه معنی‌دار باقی‌مانده

(خارج از کشور ۹۵)

نمونه: وابسته و وابسته در کدام مصراع، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» نیست؟

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) باید که نشان در میخانه بررسی | (۲) اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد |
| (۳) پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد | (۴) بی می طلب آب رخ از ما نتوان کرد |

پاسخ: گزینه (۲)؛ اسرار دل سوخته (صفت مضاف‌الیه)

الگوی شماره (۷): نقش‌های اصلی، فرعی و تبعی

شگرد پاسخ‌گویی: شناخت کامل انواع نقش‌های اصلی، فرعی و تبعی و الگوهای ساخت جمله و انواع وابسته‌های پیشین و پسین

(ریاضی ۹۳)

نمونه ۱: در کدام بیت، «نقش تبعی» یافت نمی‌شود؟

- | | |
|--|---|
| (۱) تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار؟ | که توسنی فلک رام تازیانه‌تو ست |
| (۲) امروز چنان بزی که فردا چو روی | خندان تو برون روی و گریان همه کس |
| (۳) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست | یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست |
| (۴) به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید | که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها |

پاسخ: گزینه (۲)؛ نقش‌های تبعی در گزینه‌ها: (۱) تو خود (بدل) (۳) شب و روز (معطوف) (۴) راه و رسم (معطوف)

الگوی شماره (۸): شیوه بلاغی (جابه‌جایی فعل)

شگرد پاسخ‌گویی: خواندن درست بیت و مرتب کردن اجزای آن بر اساس فعل

(ریاضی ۸۹)

نمونه: در همه ابیات به جز «شیوه بلاغی» به کار رفته است.

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| (۱) دزد مست نادان، گریبان مرد | که با شیر جنگی سگالد نبرد؟ |
| (۲) هنرور چنین زندگانی کند | جفا بیند و مهربانی کند |
| (۳) ز هشیار عاقل نزبید که دست | زند در گریبان نادان مست |
| (۴) از آن تیره‌دل، مرد صافی‌درون | قضا خورد و سر برنکرد از سکون |

پاسخ: گزینه (۲)؛ فعل جمله‌ها در پایان آنها آمده است.

الگوی شماره (۹): زمان افعال

شگرد پاسخ‌گویی: داشتن انواع زمان‌ها و نوع افعال و ردّ گزینه

(ریاضی ۹۷)

نمونه: در عبارت زیر، به ترتیب «زمان افعال» کدام است؟

«این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرسه‌ای که در آن، تحصیل می‌کردم، بزنیم.»

- | |
|--|
| (۱) ماضی ساده، ماضی مستمر، مضارع التزامی |
| (۲) ماضی التزامی، ماضی مستمر، مضارع مستمر |
| (۳) ماضی مستمر، ماضی استمراری، مضارع مستمر |
| (۴) ماضی التزامی، ماضی استمراری، مضارع التزامی |

پاسخ: گزینه (۴)؛ داشته باشید: ماضی التزامی ← حذف گزینه‌های (۱) و (۳) / می‌کردم: ماضی استمراری ← حذف گزینه (۲) / بزنم: مضارع التزامی

الگوی شماره (۱۰): سؤالات ترکیبی

شگرد پاسخ‌گویی: اشراف و تسلط کافی بر همه مباحث دستوری و دقت در پاسخ‌گویی

نمونه: با توجه به بیت «دلدار که گفتا به توام دل نگران است / گو می‌رسم اینک به سلامت نگران باش» کدام مورد کاملاً درست است؟ (تجربی ۹۸)

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) بیت فاقد مفعول است. | (۲) در بیت، چهار نهاد وجود دارد. |
| (۳) دو جمله اسنادی در بیت وجود دارد. | (۴) دو واژه مرکب در بیت وجود دارد. |

پاسخ: گزینه (۳)؛ «گفتن»، مفعول‌پذیر است. ← ردّ گزینه (۱) / نهاد جمله‌های مصراع دوم حذف شده است. ← ردّ گزینه (۲) / تنها واژه «دلدار» مرکب است. ← ردّ گزینه (۴)

قلمرو ادبی

آرایه‌های ادبی

تعداد سؤال در کنکور: ۴ سؤال (۱۶٪)

بهترین شگرد برای پاسخگویی این بخش، «شناسایی الگوی سؤالات» و «شیوه حذف گزینه» در آنهاست. پیشنهاد ما، یادگیری آرایه‌ها بر اساس اولویت کارآمدی آنها در حذف گزینه‌هاست. از این رو ابتدا آرایه‌ها را به سه گروه «طلایی، نقره‌ای و برنزی» تقسیم می‌کنیم، سپس روش حذف گزینه را در هر شکل (تیپ) سؤال بیان می‌کنیم.

آرایه‌های طلایی	اسلوب معادله	آوردن مثالی در یک مصراع برای اثبات ادعای موجود در مصراع دیگر «آدمی پیر چو شد، حرص جوان می‌گردد (ادعا) [همان طوری که] خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد»
	متناقض‌نما	نسبت دادن هم‌زمان دو صفت «متضاد و متقابل» به یک چیز که عقلاً ممکن نیست. «هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است»
	حسن تعلیل	آوردن علت خیالی و شاعرانه برای امری واقعی «رسم بدعه‌دی ایام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد» (اشک ابر از غم گل‌ها، علت خیالی برای باران)
	حسن آمیزی	آمیختن دو یا چند حس باهم از جمله، امور انتزاعی عشق سوزان (آمیختن حس لامسه با امر ذهنی عشق) / شعر تر شیرین (آمیختن حواس شنوایی، لامسه و چشایی)
	ایهام	ایجاد تردیدی آگاهانه در به کارگیری واژه‌ای که دست کم دو معنا دارد. «به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من تو شوخ‌دیده مگس بین که می‌کند بازی» (بازی: ۱- سرگرمی ۲- ادعای باز شکاری بودن)
آرایه‌های نقره‌ای	ایهام تناسب	تداعی معنای دوم واژه‌ای به تناسب واژه دیگر (ایهام تناسب تردیدی در مسیر معنی کردن بیت ایجاد نمی‌کند). «چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق (ستاره) پرشدم» (مهر: ۱- عشق ۲- خورشید؛ به تناسب «آفتاب» و «عیوق»)
	استعاره	نوع اول: حذف مشبّه (مجاز با رابطه شباهت): سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟ (سرو: معشوق) نوع دوم: نسبت دادن خیالی ویژگی یا اجزای چیزی به چیز دیگر به صورت‌های تشخیص، جان‌بخشی و غیر جان‌بخشی: ۱- تشخیص (انسان‌انگاری): چشم آسمان (آسمان مانند انسان دارای چشم است). توجه تشخیص خطابی (خطاب به غیر جاندار): آمد بهار جان‌ها، ای شاخ تر به رقص آ نکته اگر غیر جاندار استعاره نوع اول از جاندار باشد، تشخیص نیست: ای غنچه خندان، چرا خون در دل ما می‌کشد؟ (غنچه: معشوق) ۲- جان‌بخشی: (نسبت دادن ویژگی جاندار به غیر جاندار): بال‌های آرزو (آرزو مانند پرنده دارای بال است). ۳- غیر جان‌بخشی: (نسبت دادن ویژگی غیر جاندار به غیر جاندار): کنگره عرش (عرش مانند کاخ دارای کنگره: غیر جان‌بخشی)
	مجاز	آوردن واژه‌ای در معنای دیگر با نشانه‌ای از واژه اصلی در کلام «سراسر همه دشت بریان شدند» (دشت: مردم، بریان شدن: نشانه)
	تشبیه	ادعای همانندی خیالی بین دو یا چند چیز «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد» (دوستی مانند درخت است).
	تضاد	آوردن دو واژه یا ترکیب با مفهوم متقابل «گفتی به غم بنشین یا از سر جان برخیز / فرمان برمت جانا بنشینم و برخیزم»
	جناس	آوردن دو واژه با معنای متفاوت و با تلفظ یکسان (همسان یا تام) یا دارای یک تفاوت در تلفظ (ناهمسان یا ناقص): «گلاب است گویی به جویش روان / همی شاد گردد ز بویش روان» (جویش و بویش ← ناهمسان / روان: جاری و روان: روح همسان)
	تلمیح	اشاره آگاهانه شاعر به مفهوم آیه، حدیث یا داستان و ... «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو» (الدنیا مزرعه الآخره)
	تضمین	آوردن مستقیم کلامی دیگر در میان کلام خود «زینهار از قرین بد زنه‌ار و قنا ربنا عذاب النار» (تضمین از آیه قرآن)

آرایه‌های برنزی	مراعات نظیر (تناسب)	کاربرد مجموعه‌ای از واژه‌های متناسب و مرتبط با هم (شبکه معنایی) «ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد»
	کنایه	پوشیده سخن گفتن درباره امری یا موضوعی باغ رخسار تو می‌دیدم و دل می‌دادم گرد گلزار تو می‌گشتم و گل می‌چیدم
	واج آرای	تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در واژه‌های یک مصراع، بیت یا عبارت: بلند آوازه سازد شور عاشق عشق سرکش را به فریاد آورد مشتى نمک دریای آتش را
	تکرار	آمدن یک واژه، دو یا چند بار در سخن عشق و اساس عشق نهادند بر دوام یعنی خلل‌پذیر نگردد بنای عشق
	سجع	آوردن واژه‌های آهنگین به‌صورت قرینه در پایان حداقل دو جمله یا عبارت جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت گذاشت.
	تمثیل	آوردن ضرب‌المثل یا مثال و نمونه در یک بیت یا عبارت امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو حاجت نیست شر مرسان
	لف و نشر (ویژه علوم انسانی)	آوردن دو یا چند واژه در بخشی از کلام که توضیح مربوط به هر یک از آنها در بخش دیگر بیاید. با آن‌که چیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

۱ ل ف ۲ ل ف ۱ نشر ۲ نشر

توجه! آرایه‌های برنزی در حذف گزینه به اندازه گروه اول و دوم کاربرد ندارند ولی یادگیری آنها ضروری است.

الگوهای رایج سؤالات آرایه‌های ادبی در کنکور

الگوی شماره (۱): تک آرایه

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی ابیات بر محور آرایه مورد نظر و حذف گزینه‌ها بر اساس نبود آرایه

(ریاضی ۸۹)

نمونه ۱: در کدام گزینه، آرایه «متناقض‌نما» (پارادوکس) به کار رفته است؟

- ۱) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرز
- ۲) گر چو شب‌نم نفسی هم‌نفس گل بودم
- ۳) یافت با شکوه روز زندگی من پایان
- ۴) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

پاسخ: گزینه (۴)؛ عبارت «بی‌هنری‌های هنر» متناقض‌نما (پارادوکس) است.

الگوی شماره (۲): آرایه در گزینه

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی بیت بر اساس نبود آرایه و حذف گزینه‌ها

(ریاضی ۹۸)

نمونه ۱: بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«شود از مهر خموشی دل خامش گویا جوش می در جگر خم ز سر بسته بود»

- ۱) ایهام، حس‌آمیزی
- ۲) استعاره، تناقض
- ۳) تشبیه، مراعات‌نظیر
- ۴) مجاز، اسلوب معادله

پاسخ: گزینه (۱)؛ بیت ایهام ندارد.

(انسانی ۹۸)

نمونه ۲: آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما می‌رود آب حیات از چشمه نوش شما»

- ۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
- ۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
- ۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس
- ۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

پاسخ: گزینه (۱)؛ ایهام و مجاز در بیت نیست؛ حذف سایر گزینه‌ها

نمونه‌هایی از واژگانی که باید در خواندن آنها دقت کرد.^۱

«گند، گند، گند / بود، بُود / رَسَم (فعل)، رَسَم (مرسوم) / ماند، ماند / روم، رَوَم / دُرد، درد، دَرَد (فعل) / بستان، بستان / مردم (مرد هستم)، مردم / دَر، دَر (مروارید) / گَه، که، گَه / سَر، سِر / مَهر، مَهر / قوت، قوت / سبک، سبک / رَست، رَست / می، می (فعل) / به، به / کِشتی، کِشتی / مَه، مَه» واژگان بیشتر را در بخش مربوط به واژگان از همین مجموعه بخوانید.

مفاهیم کلی در انواع ادبی

۱ ادبیات حماسی: زمینه‌های حماسه شامل: داستانی، قهرمانی، خرق عادت و قومی و ملی / تقابل فضای بدی (ضحاک) و خوبی (فریدونی) / مبارزه با ظلم و دعوت به دادخواهی / دعوت به قیام عمومی / شجاعت و جنگاوری / نکوهش دشمن / ستایش پاکی و پاکدامنی / دوری از ننگ و بدی و ...

۲ ادبیات تعلیمی: دعوت به اخلاق و فضایل مشترک / ادب سخن گفتن و فضیلت سکوت / رعایت حلال و حرام / احترام بزرگان / فروتنی و تواضع / دوری از دروغگویی / قناعت و خرسندی / دوری از حرص و طمع و ...

ادبیات غنایی: (آ عاشقانه ب عرفانی

۱- ویژگی‌های عاشق: پاکبازی / پایداری در عشق / نصیحت‌ناپذیری / وفاداری / بلاکشی و بلاجویی / خلوص / تواضع در برابر معشوق / ترجیح دادن معشوق بر دنیا و آخرت و بهشت و نعمت‌های آن / تحمل رنج هجران / امیدواری به وصال / بی‌قراری / شادمانی به وصال / قانع بودن به نگاهی از معشوق / اشکباری و زردرویی / حیات یافتن از عشق معشوق / ستیز با عقل، صبر و منطق / سیری‌ناپذیری از عشق / بی‌نیازی از عمر و زندگی مادی و ...

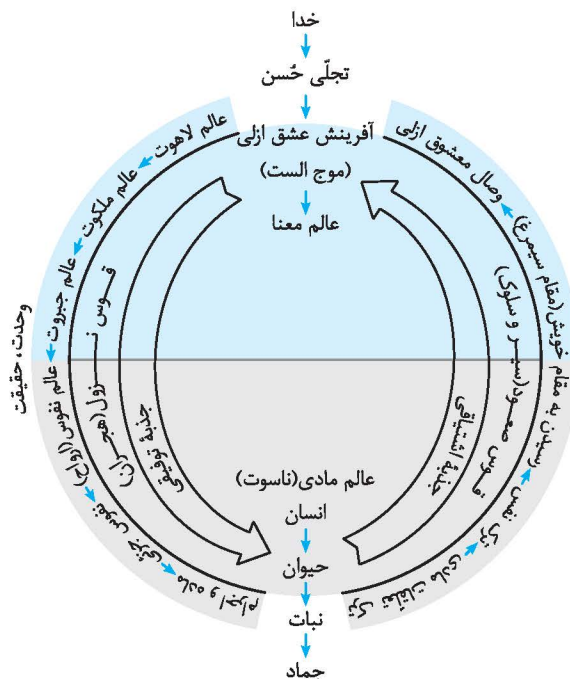
۲- ویژگی‌های معشوق: برتری بر همه در زیبایی / جفاکاری و بی‌وفایی / جذبه و شورانگیزی / دور از دسترس بودن / استغنا و بی‌نیازی از عاشق / لطف و عنایت و دلداری و ...

۳- ویژگی‌های عشق: ازلی و ابدی بودن / آسان‌نمایی و دشواری / غلبه و قدرتمندی / تقابل با عقل و صبر و منطق و نصیحت / بی‌کراکی و فراگیر بودن / کمال‌بخشی / شورانگیزی / حیات‌بخشی و سودمندی / درمان‌بخشی و دردآفرینی / پرده‌داری و افشاگری / سکوت‌آور بودن برای عاشق / نفوذ و تأثیرگذاری / گریزناپذیری و ...

تجلی حسن خدا / آفرینش عشق ازلی / آفرینش عالم معنا (لاهورت و ملکوت و جبروت) / آفرینش عالم مادی (ملک و ناسوت) / نزول روح الهی به جسم مادی انسان در جهان مادی / غرق شدن انسان در تعلقات نفسانی / آرزوی بازگشت به اصل / ریاضت و ترک تعلقات جسمانی و نفسانی و روحانی / عبور از موانع برای رسیدن به مقام «خویشتن» (بعد الهی انسان یا مقام سیمرغ) / رسیدن به وصال معبود (معشوق ازلی) / پیمودن مراحل سیر و سلوک (طلب تا فنا) با پیروی از پیر راهنما (پخته) و رسیدن به مقام ارشاد / صحبت و هم‌نشینی با دردآشنا / عزلت و گوشه‌نشینی از اغیار و بیگانگان (خام) / درک جذبه حق (توفیق) / داشتن جذبه قلبی (اشتیاق) برای بازگشت به اصل / وجود عشق و اشتیاق بازگشت در همه موجودات / عشق الهی مایه حیات همه ذرات هستی / وحدت وجود و ...

عرفانی

چرخه اندیشه عرفانی



۱. در متن کتاب واژگان خاص تا حد امکان حرکت‌گذاری شده‌اند.

نوع نگاه به متن

داستان «قصه عینکم» را به خاطر بیاورید. شخصیت اصلی داستان پیش از عینک زدن، دیوار را سطحی یکدست و درختان را انبوهی از برگ‌های درهم‌تنیده می‌دید ولی پس از زدن عینک پیرزن کازرونی، آجرهای دیوار و برگ‌های درختان را جداجدا، دید. اگر تمرین کنیم تا نگاهمان به متن این‌گونه باشد، مفاهیم را جداجدا و قابل تجزیه و تحلیل درخواهیم یافت.

نقشه محتوایی

هر متنی از یک مفهوم یا ترکیبی از مفاهیم شکل گرفته است. تفکیک مفاهیم یک متن و نمایش دادن آن در کلیدواژه‌ها را می‌توان نقشه محتوایی آن متن نامید.

استفاده از نقشه محتوایی در تحلیل متن

- پیش از این بیشتر دوستان نویسنده برای هر بیتی کلیدواژه‌ای طراحی می‌کردند که اغلب، بیانگر پیام اصلی آن متن بود و چه بسا، مفاهیم فرعی و ضمنی یا مفاهیم واژگان خاص مورد غفلت قرار می‌گرفت و طراح کنکور با استفاده از این خلأ، سؤال خود را براساس مفهوم فرعی طراحی می‌کرد. در حالی که، داوطلب، بیت را با همان مفهوم اصلی و محوری می‌شناخت.
- استفاده از نقشه محتوایی به جای کلیدواژه محوری، علاوه بر این که دید دانش‌آموز را نسبت به متن گسترش می‌دهد و احتمال هر سؤالی را از هر گوشه متن به او فرامی‌نماید، از یکسوگی (کانالیزه شدن) ذهن دانش‌آموز نیز جلوگیری می‌کند تا او بتواند نگاه خلاقانه‌ای به متن داشته باشد. چون خلاقیت طراح سؤال را تنها می‌توان با نگاه خلاقانه دریافت و سؤال او را پاسخ داد.
- نقشه محتوایی دانش‌آموز را به این نگرش می‌رساند که ممکن است، در یک بیت تنها یک مفهوم نباشد بلکه متن، ترکیبی از مفاهیم باشد و یا مفاهیم مستقل و هم‌ارزش کنار هم نشسته باشند و طراح یک یا چند مورد از مفاهیم را در سؤال خود به کار برده باشد.
- زبان رنگ: دانش‌آموز با دنبال کردن رنگ در جدول‌های نقشه محتوایی با دست‌یافتن به خوانش پیام‌محور و اندیشه جامع در متن، ارتباط مفهوم متن با بیت مثال را به طور عینی و دیداری مشاهده می‌کند و یک یادگیری عمیق را تجربه می‌کند.

نمونه‌ای از جدول‌های نقشه محتوایی

تاک‌می صبح و شکر خواب بامداد	هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر
میر طاعت نفس شهوت پرست	که هر ساعتش قبله دیگر است
خواب نوشین بامداد رحیل	باز دارد پیاده را ز سبیل
غنیمت است غنیمت شمار فرصت عمر	که تن ضعیف نهاد است و عمر بی‌بنیاد

نگاه طراح به متن

طراح سؤال چهارگزینه‌ای نگاه متنوعی به متن شعر و نثر دارد. گاه متنی با پیام ساده را محور سؤال قرار می‌دهد و گاه یک متن با پیام ترکیبی یا چند پیامی را. **نگاه به متن یک‌پیمایی:** طراح در یک برخورد ساده، پیام اصلی متن را مد نظر قرار داده، قرابت آن را با بیت یا ابیاتی در گزینه‌ها می‌خواهد. این نوع طراحی به سؤال ساده یا متوسطی می‌انجامد.

نمونه ۱: بیت «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟ (۹۴)

- دل قطره‌ای ز شب‌نم دریای عشق اوست
- سیل دریادیده هرگز بر نمی‌گردد به خود
- چون ز دریا سوی ساحل بازگشت
- سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است
- کز راه دیده باز به دریا همی رود
- نیست ممکن هرکه مجنون شد دگر عاقل شود
- چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
- مردم بی‌اصل و بی‌گوهر نیابد سروری

✓ پاسخ: گزینه (۱) پیام اصلی صورت سؤال «بازگشت به اصل» است که در گزینه «۱» در تمثیل «بازگشت قطره به دریا» بیان شده است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) عاقل نشدن دیوانه عشق (۳) بازگشت به فرع (ساحل) (۴) نژاد، سرمایه رسیدن به مقام؛ جدول نقشه محتوایی سؤال به صورت زیر است.

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش	بازجوید روزگار وصل خویش
دل قطره‌ای ز شب‌نم دریای عشق اوست	کز راه دیده باز به دریا همی رود

(ریاضی ۸۷)

نمونه ۲: مفهوم عبارت «کَلْ شَیْءٍ یَرْجِعْ اِلٰی اَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- (۱) سیر جسم خشک بر خشکی فتاد / سیر جان پا در دل دریا نهاد
- (۲) مادر فرزند جویان وی است / اصلها مر فرعها را در پی است
- (۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد / تن تو را در حبس آب و گل کشد
- (۴) جان گشوده سوی بالا بالها / تن زده اندر زمین چنگالها

✓ **پاسخ:** گزینه (۲)، مفهوم صورت سؤال «بازگشت به اصل» است که در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» دیده می‌شود. بیت گزینه «۲» به «بازگشت اصل به فرع» اشاره دارد که در تمثیل «بازگشت مادر به فرزند» آمده است. نقشه محتوایی سؤال به صورت زیر است.

کَلْ شَیْءٍ یَرْجِعْ اِلٰی اَصْلِهِ. (هر چیزی به اصل خود بازمی‌گردد).

سیر جسم خشک بر خشکی فتاد / سیر جان پا در دل دریا نهاد
دل تو را در کوی اهل دل کشد / تن تو را در حبس آب و گل کشد
جان گشوده سوی بالا بالها / تن زده اندر زمین چنگالها

«بازگشت به اصل»

۲ نگاه به متن چندپیمایی (شامل پیام اصلی و فرعی)

آ) مطرح کردن پیام اصلی: طراح با محور قراردادن پیام اصلی بیت، گزینه‌ها را تعیین می‌کند و با پی‌بردن به مفهوم اصلی بیت می‌توان به پاسخ سؤال رسید. سطح این‌گونه سؤال متوسط و گاه ساده است که به گزینه‌های دیگر بستگی دارد.

(هنر ۹۴)

نمونه: بیت «نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) از ترک‌تاز عشق شکایت چه سان کنم / کاین لشکر از سپاه من اول زبان گرفت
- (۲) بر آستان محبت قدم مننه خواجو / که هر که پای در این ره نهاد، سر بنهاد
- (۳) مرا بی عشق مهرویان بقای سر نمی‌باید / که سر بی‌عشق، بر گردن کشیدن بار دوش آمد
- (۴) حافظ چه نالی، گر وصل خواهی / خون بایدت خورد در گاه و بی‌گاه

✓ **پاسخ:** گزینه (۲)، مفهوم اصلی بیت، بیان ویژگی «سختی راه عشق» است. این مفهوم در گزینه (۲) نیز آمده است و شاعر با خطاب به خود، از سختی و خوف و خطر راه عشق سخن گفته است. در این بیت، طراح هیچ توجهی به ویژگی «حکایت‌گری نی» ندارد و تنها «خوف و خطر راه عشق» محور سؤال قرار گرفته است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) سکوت عاشق در اثر عشق (۳) پاکبازی عاشق (۴) بلاکشی عاشق در راه وصال، نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند
بر آستان محبت قدم مننه خواجو / که هر که پای در این ره نهاد، سر بنهاد

«خوف و خطر راه عشق»

ب) مطرح کردن پیام فرعی: طراح به جای پیام اصلی و آشکار بیت، پیام فرعی آن را در نظر می‌گیرد و شرایط حاکم بر سؤال، داوطلب را به سوی آن پیام می‌کشد.

(هنر ۸۷)

نمونه: بیت «بگو ای نای حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) روزهاگر رفت گو، رو، باک نیست / تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست
- (۲) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
- (۳) نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند
- (۴) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست

✓ **پاسخ:** گزینه (۳) مفهوم صورت به «حکایت‌گری نی» دلالت می‌کند. شاعر از نی می‌خواهد تا حکایت حال عاشقان را بگوید. این مفهوم از بیت گزینه «۳» نیز برداشت می‌شود که مفهوم فرعی و ضمنی این بیت است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱- بی‌نیازی عاشق از عمر ۲- سیری‌ناپذیری اشتیاق عاشق ۴- پیدایی و ناپیدایی روح؛ نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

بگو ای نای حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید
نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند

«حکایت‌گری نی»

۳ نگاه به چند پیام مستقل و هم ارزش در یک متن: گاهی طراح به چند پیام هم‌ارزش که در یک متن در کنار هم قرار گرفته است، توجه می‌کند و یک سؤال چند ارجاعی (چند پیامی) طراحی می‌کند که هر گزینه‌ای در آن به یکی از پیام‌های متن برمی‌گردد و پاسخ نیز گزینه‌ای فریبنده ولی غیر مرتبط است. این گونه سؤالات اغلب سطح سختی دارند.

نمونه: کدام بیت به مفهوم عبارت زیر اشاره ندارد؟

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جان

(ریاضی ۸۷)

ما را صفای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه»

- | | |
|--|---|
| ۱) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم | صورت خوب آفرید و سیرت زیبا |
| ۲) خداوند بخشنده دستگیر | کریم خطابخش پوزش‌پذیر |
| ۳) به خدایی سزا مر او را دان | شب و شبگیر رو مر او را خوان |
| ۴) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم | وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم |

✓ پاسخ: گزینه ۱؛ پیام‌های زیادی در متن صورت سؤال در کنار هم آمده است. سه مورد از آن‌ها نظر طراح را جلب کرده است و طراح نیز برای هر یک از پیام‌ها بیتی متناسب یافته و در گزینه‌ها قرار داده است. بیت گزینه «۱» با داشتن صفات خدا (فراگیر بودن آفرینش خدا) زمینه فریب داوطلب را فراهم آورده است در حالی که با هیچ یک از مفاهیم متن ارتباطی ندارد. نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای قادری که خدایی را سزایی،

جان ما را صفای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه»

خطابخشی خدا	خداوند	بخشنده	دستگیر	کریم	خطابخش	پوزش‌پذیر
«سزاواری خدا برای خدایی	به خدایی سزا مر او را دان	شب و شبگیر رو مر او را خوان	«قابل درک نبودن خدا	ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم	وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم	

چند نگاه دیگر:

علاوه بر نگاه‌هایی که مطرح شد، گاهی نگاه طراح به جای مفهوم، به توصیف، تصویرسازی، واژگان نمادین یا اصطلاحی است. اینک نمونه‌هایی از این نگاه‌ها:

۱- نگاه به توصیف و تصویر: توجه طراح به تصویرسازی‌های شاعر «قربت‌های تصویری» ایجاد می‌کند. مانند تصویرسازی از سیاهی وسط لاله یا گلبرگ‌های سرخ آن، رنگ و بوی مشک، باد صبا به صورت‌های گوناگون (پیام‌رسانی بین عاشق و معشوق، عاشقی و آوارگی، دروغگویی و...) توصیفات حماسی (صحنه‌های جنگ، آمادگی برای تیراندازی، سرعت پرتاب تیر و...) که از نمونه‌های پرکاربرد قربت تصویری است.

(زبان ۹۴)

نمونه: ویژگی باد صبا در همه ابیات یکسان است به جز

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز | و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند |
| ۲) ز من چو باد صبا بوی خود دریغ مدار | چرا که بی سر زلف توام به سر نرود |
| ۳) ای جان حدیث ما بر دلدار بازگو | لیکن چنان مگو که صبا را خبر شود |
| ۴) کس نیارد بر او دم زند از قصه ما | مگرش باد صبا گوش‌گذاری بکند |

✓ پاسخ: گزینه ۲؛ در ابیات گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» بر خلاف انتظار، باد صبا را به صورت سخن‌چینی می‌بینیم که شاعر از او ناخرسند است. در بیت گزینه «۲» باد صبا شخصیت بخشنده‌ای دارد که بوی خود را از شاعر دریغ نمی‌کند و شاعر معشوق را ترغیب می‌کند تا مانند باد صبا بخشنده باشد و عاشق را از عنایت خود محروم نکند.

۲- نگاه به بار معنایی واژه و اصطلاح: گاهی طراح به بار معنایی واژه یا اصطلاحی توجه می‌کند و نوع مضمون‌آفرینی شاعر از آن واژه را محور سؤال قرار می‌دهد. مانند واژگان «غم»، «کرامت»، «همت» و ...

(زبان ۸۸)

نمونه: مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱) به هر غمی که رسد از تو خاترم شاد است | که بنده تو ز بند کدورت آزاد است |
| ۲) غم مخور ز آن که به یک حال نمانده‌ست جهان | شادی آید ز پی غصه و خیر از پی شر |
| ۳) به شادی دو جهانش نمی‌توان دادن | غمی که از تو نصیب دل غمین من است |
| ۴) غم تو را به نشاط جهان نخواهم داد | من این خریده خود را به هیچ نفروشم |

✓ پاسخ: گزینه ۲؛ مفهوم واژه «غم» در ابیات گزینه‌ها به دو صورت دیده می‌شود. در گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» «غم» مفهوم مثبتی دارد و معادل «عشق» است ولی در بیت گزینه «۲» معادل «غصه» است و مفهوم منفی دارد. همین تفاوت معنایی موجب تفاوت در مفهوم ابیات شده است.

الگوهای رایج سؤالات قرابت معنایی در کنکور

۱ ارتباط یک با یک

(تجربی ۹۸)

در بازی خون برندگان می‌دانند
این را همه پرنندگان می‌دانند
شد خون تو سرخ‌روی محشر تو
زهی حیات نکونام و مردنی به شهادت
از جا مرو که شرط طلب استقامت است
زیر شمشیر شهادت گردن‌افرازی خوش است

نمونه: مفهوم کلی رباعی زیر، با کدام بیت قرابت دارد؟
«رازی که خطرکنندگان می‌دانند
با بال شکسته پرگشودن هنر است
(۱) گر خون تو ریخت خصم بد گوهر تو
(۲) اگر جنازه سعدی به کوی دوست درآزند
(۳) ای دل به راه دوست اگر سر نهاده‌ای
(۴) سر به پیش انداختن در زندگانی خوش‌نماست

پاسخ: گزینه (۴)

۲ ارتباط یک با سه

(ریاضی ۹۸)

نمونه: متن زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت

توانگر بمانی و از داد شاد
که از داد هرگز نشد کس نگون
ولی را پیروز عدو را بمال
ورا راستی پاسبان بس بود

نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.
(۱) چو خشنود داری جهان را به داد
(۲) همه داد کن تو به گیتی درون
(۳) به داد و دهش کوش و نیکی سگال
(۴) اگر دادگر چند بی‌کس بود

پاسخ: گزینه (۴)

۳ مفهوم متفاوت (مقایسه‌ای)

(ریاضی ۹۵)

باز آمد و اکنون خبر از خویش ندارد
از میان جمله او دارد خبر
چاره زان جوی که کرده‌ست چنین بیمارت
دیگر به من زار که آرد خبر تو؟

نمونه: مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟
(۱) قاصد ز برم رفت که آرد خبر از یار
(۲) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
(۳) خبر از درد ندارند طبیبان زنه‌ار
(۴) قاصد که تو را دید ندارد خبر از خود

پاسخ: گزینه (۳)

۴ ارتباط زوج بیت

(تجربی ۹۲)

آن کس داند که نخفته است دوش
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
ماهی لبسته را قلاب نتواند گرفت
که فردا قلم نیست بر بی‌زبان
شد سنگ و گهر آمد، شد قفل و کلید آمد
نهان راستی آشکارا گزند
هر بدی کز طرف دوست رسد، جمله، نکوست
آن جا که وصل اوست، چه محراب و چه کنشت

نمونه: مفهوم ابیات دوگانه، در کدام گزینه یکسان نمی‌باشد؟

(۱) از تو نپرسند درازی شب
محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
(۲) حلقه دام گرفتاری دهان وا کردن است
زبان درکش ای مرد بسیار دان
(۳) شد جنگ و نظر آمد، شد زهر و شکر آمد
هنر خوار شد جادویی ارجمند
(۴) گر کشد مهر رخت بر دل من تیغ، رواست
جام از دست دوست بود، زهر و می یکی‌ست

پاسخ: گزینه (۳)



درس یکم: ستایش (به نام کردگار) - چشمه - گنج حکمت (خلاصه دانش‌ها)

فارسی ۱۰

قلمرو زبانی

واژگان و املا

- ۱- معنی درست واژه‌های «فضل، زهی، گویا، کام»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 - (۱) لطف، بسیار، بی‌شک، آرزو
 - (۲) بخشش، آفرین، سخن‌گو، دهان
 - (۳) دانش، مرحبا، پُرگو، زبان
 - (۴) نیکویی، مبادا، شاید، سقف دهان
- ۲- در کدام گزینه، معنی همه واژه‌ها درست است؟
 - (۱) (رخسار: چهره)، (فروغ: پرتو)، (رزاق: روزی‌دهنده)
 - (۲) (فضل: کرم)، (عجایب: شگفتی‌ها)، (ورطه: عمق)
 - (۳) (مفتاح: کلید)، (افلاک: آسمان)، (پیدا کرد: آفرید)
 - (۴) (فرج: گشایش)، (کردگار: خالق)، (نظر: چهره)
- ۳- معنی چند واژه از میان واژه‌های زیر، نادرست است؟

(یقین: بی‌شبهه)، (کردگار: آفریننده)، (رزاق: روزی‌خور)، (جانِ جان: اصل زندگی)، (خلاق: آفریننده)، (فضل: روشنی)، (قفا: پنهان)، (گریبان: یقه)، (بُن: ته)، (خجل: شرم‌نده)، (شکن: زلف)، (صاحب‌دل: عارف)

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۴- در کدام گزینه، یکی از معانی واژه نادرست است؟
 - (۱) غلغله: شور، غوغا، خشم
 - (۲) گلبن: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل
 - (۳) هنگامه: غوغا، شلوغی، جمعیت مردم
 - (۴) خیره: سرگشته، لجوج، بیهوده
- ۵- معنای درست واژه‌های «یله، زهره، گلبن، نادره» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 - (۱) رها، جرئت، بوته گل، بی‌مانند (۲) گریخته، دلیری، برگ گل، کمیاب
 - (۳) آزاد، گستاخی، گلبرگ، عجیب
 - (۴) رسته، شهامت، گل سرخ، بی‌کس
- ۶- در کدام گزینه، معنی دو واژه نادرست است؟
 - (۱) (سهمگن: سنگین)، (هنگامه: غوغا)، (شکن: شست)
 - (۲) (همسری: برابری)، (نمط: دارای روش)، (پیرایه: زیور)
 - (۳) (معرکه: میدان جنگ)، (دمیدن: روییدن)، (خیره: آسوده)
 - (۴) (خصلت: خوبی)، (حقّا: به راستی)، (حقارت: کوچکی)
- ۷- در میان واژه‌های زیر، معنای چند واژه، درست است؟

(غافل: بی‌خبر) (خیره: بیهوده)، (برازندگی: تابندگی)، (نیلوفری: لاجوردی)، (بحر: دریا)، (هنگامه: جمعیت مردم)، (پیرایه: زیبا)، (نادره: بی‌نظیر)، (تیزپا: سریع)، (تعلل: بهانه آوردن)، (برزده: درمانده)، (نفس: وجود)

(۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده
- ۸- در کدام عبارت، معنی واژه مشخص شده نادرست آمده است؟
 - (۱) گرچه چشیدن آن، کام را خوش آید، لکن عاقبت به هلاک کشد و از دست برود. (دهان)
 - (۲) گمان بردند که کرم شب‌تاب، آتش است؛ بر آن هیزم نهادند و می‌دمیدند. (می‌خروشدند)
 - (۳) جملگی از اقدام وی خیره ماندند؛ وی را ستودند و ایزد را شکر گزاردند. (سرگشته)
 - (۴) عمل ایشان، راست آن را ماند که عطر بر آتش نهد و فواید آن به دیگران رسد. (عیناً)
- ۹- معنی واژه «راست» در کدام گزینه با معنی واژه «راست»، در بیت زیر، برابری می‌کند؟

داده تنش بر تن ساحل، یله

هیچ عاشق، سخن سخت به معشوق نگفت

بگذر ای پیر مغان از وادی ارشاد ما

بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

گر تمنای تمامی چو هلال است تو را

«راست به مانند یکی زلزله»

(۱) گل بخندید که از راست نرنجیم ولی

(۲) تیر کج هرگز نگردد راست از زور کمان

(۳) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک

(۴) از تواضع قد خم‌گشته خود راست کنی

۱۹- در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟

«سیاس، خدای خَلّاق و رَزّاق را که قدرت او بر رخسار پرفروغ روز، نمایان است. آفریدگاری که به فضل خویش، در فترت کاینات، حیاط و زندگی بخشید و عجایب و قریب بسیار در کارگاه هستی، به ظهور رسانید و آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل، از دیگر حیوانات ممیز گردانید.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۰- در متن زیر چند غلط املائی و رسم الخطّی به چشم می خورد؟

«از جمله مثنوی های مهم عطار که انتصاب آن به وی محقق است، یکی الهی نامه است. این منظومه، در حقیقت، مجموعه ای است از قصه های کوتاه منظوم و اساس آن مبتنی است بر گفت و شنود پدري با پسران خود که بیهوده طالب چیزهایی می شوند که حقیقت آنها با آنچه عامّه از آنها استنباط و ادراک می کنند، فرق دارد. اگر نظری در این اثر گران سنگ بیافکنیم، صرف نظر از طرح و قالب، حیات و حرکتی که در ابیات آن دیده می شود، قابل توجه است.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۱- در متن زیر، غلط املائی دیده می شود.

«خاستگاه شعر نیمه اجتماع و طبیعت است. تعمّل در شعر او برای کسی مطرح است که با فکری فارغ از تعصّب، آماده پذیرش تحوّل مطلوب در شعر و ادب باشد؛ خاصه که زندگی پرتلاطم و متغیّر امروز، ناگزیر برخی تحوّل را در همه زمینه ها رقم می زند. برای صید گهرهای بهر معانی شعر در هر غالب و صورتی که باشد، شناخت و درک محیط اجتماعی شاعر نقش به سزایی دارد.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۲- در متن زیر، املاي کدام واژه غلط است؟

«الهی، یقینی بخش که در چاه زلت و خواری نیفتیم، علمی ده که در آن، آتش هوا و هوس نباشد؛ رحمتی نازل کن که از ثواب آخرت محروم نگردم. نفّسی ده که حلقه بندگی تو در گوش کند و جانی ده که زهر حکمت تو نوش کند. الهی مرا دردی است که بهی مباد پس این درد مرا صواب است؛ با خرسندی دردمندی به درد خود کسی را چه حساب است؟!»

(۱) خواری (۲) زلت (۳) ثواب (۴) صواب

۲۳- املاي کدام گزینه به ترتیب، برای جاهای خالی بیت زیر، مناسب است؟

گفتا نه این خواهم نه آن، دیدار حق خواهم عیان
گر هفت آتش شود، من در روم لقا
(۱) بحر - بهر (۲) بحر - بحر (۳) بحر - بحر (۴) بحر - بهر

۲۴- در کدام بیت، غلط املائی به چشم می خورد؟

(۱) تو تبار و اصل و خویشم بوده ای
(۲) گفت منکر گشته ای خَلّاق را
(۳) ذهی مثل تو را نادیده عالم
(۴) قصدشان تقریق اصحاب رسول
تو فروغ شمع کیشم بوده ای
روز و شب آرنده و رَزّاق را
نداده کس نشان از عهد آدم
فضل حق را کی شناسد هر فضول

۲۵- در کدام بیت، غلط املائی وجود ندارد؟

(۱) چو زور و زهره نباشد، صلاح و اسب چه سود؟
(۲) اگر چه زین نمط صد عالم اسرار
(۳) گر بی خبران و عیب گویان از پس
(۴) غو پاسبان خواست چون زلزله
چو دل، دلی ننماید، جگر چه سود کند؟
بُود یک شمه از دکان عطار
منسوب کنندم به هوی و به هوس
همی شد چو آواز شیر یله

دستور زبان

۲۶- در کدام گزینه، «ترتیب اجزای جمله» رعایت شده است؟

(۱) الهی، فضل خود را یار ماکن
(۲) تویی رَزّاق هر پیدا و پنهان
(۳) زهی گویا ز تو کام و زبانم
(۴) فروغ رویت اندازی سوی خاک
ز رحمت، یک نظر در کار ماکن
تویی خَلّاق هر دانا و نادان
تویی هم آشکارا، هم نهانم
عجایب نقش ها سازی سوی خاک

۲۷- در همه گزینه ها به جز گزینه جمله ای با الگوی «نهاد + مسند + فعل» یافت می شود.

(۱) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
(۲) گفت: در این معرکه یکتا منم
(۳) ابر ز من، حامل سرمایه شد
(۴) خواست کز آن ورطه، قدم در کشد
غلغله زن، چهره نما، تیزپا
تاج سر گلّبن و صحرا منم
باغ، ز من صاحب پیرایه شد
خوشتن از حادثه برتر کشد

۲۸- در کدام گزینه، همه فعل‌ها «مفعول‌پذیر» هستند؟

- (۱) چون بدوَم، سبزه در آغوش من
- (۲) چون بگشایم ز سر مو، شکن
- (۳) گه به دهان برزده کف چون صدف
- (۴) چشمه کوچک چو به آنجا رسید

۲۹- الگوی جمله دوم بیت زیر، در کدام گزینه، نمایش داده شده است؟

- «زین نَمَط، آن مسست شده از غرور»
 (۱) نهاد + فعل (۲) نهاد + مفعول + فعل (۳) نهاد + مسند + فعل (۴) نهاد + متمم + فعل

۳۰- در همه گزینه‌ها به جز گزینه «مفعول» دیده می‌شود.

- (۱) یکی قطره باران ز ابری چکید
- (۲) که جایی که دریاست، من کیستم
- (۳) چو خود را به چشم حقارت بدید
- (۴) بلندی از آن یافت، کاو پست شد

۳۱- در بیت زیر، نقش «مرجع ضمیر پیوسته» کدام است؟

- «گل از شوق تو خندان در بهار است»
 (۱) نهاد (۲) متمم (۳) مسند (۴) مضاف‌الیه

۳۲- در کدام گزینه، نقش واژه مشخص‌شده، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) چو در وقت بهار آیی پدیدار
- (۲) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
- (۳) گل به همه رنگ و برزندگی
- (۴) گفت: در این معرکه، یکتا منم

۳۳- در کدام گزینه، نقش دستوری واژه مشخص‌شده، نادرست است؟

- (۱) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
- (۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک
- (۳) قطره باران که درافتد به خاک
- (۴) راست به مانند یکی زلزله

۳۴- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ردیف «را» نشانه «مفعول» است.

- (۱) آب را قول تو با آتش اگر جمع کند
- (۲) همه دانند که من سبزه خط دارم دوست
- (۳) سرو بگذار که قدی و قیامی دارد
- (۴) بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس

۳۵- در بیت زیر، گروه اسمی مشخص‌شده، دارای چه نقشی است؟

- «چو در رویت بخندد گل، مشو در دامش ای بلبل»
 (۱) نهاد (۲) مفعول (۳) مسند (۴) قید

۳۶- نقش اجزای مشخص‌شده در بیت زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- «صبحدم از عرش می آمد خروشی، عقل گفت»
 (۱) نهاد، مفعول، مفعول (۲) قید، مفعول، مفعول (۳) نهاد، قید، مفعول (۴) قید، نهاد، مفعول

۳۷- در کدام گزینه، دو فعل «مفعول‌پذیر» دیده می‌شود؟

- (۱) گل سرخ، روزی ز گرما فسرده
- (۲) ننوشتید یک قطره زان آب پاک
- (۳) مرا دوش مهتاب بویید و رفت
- (۴) بگیرد خوشی، جلی پژمردگی

(المپیاد ادبی)

- (۲) پرستار، مرد را از تولّد پسرش آگاه کرد.
(۴) تو را دیدم که از دور، برایم دست تکان می‌دادی.

۴۹- در کدام گزینه، تعداد «مفعول» بیشتر است؟

- (۱) گفتم: در دل، امید و بر لب، خنده داشته باشید.
(۳) کتاب را در کیف و مداد را در جامدادی بگذارید.

قلمرو ادبی

۵۰- در کدام بیت آرایه «حس آمیزی» دیده می‌شود؟

- (۱) آب شیرین چون نبیند مرغ کور
(۲) نهال بختی کز باغ دولتت نبرند
(۳) گرنامه‌یه هم شاد و هم نیک‌مرد
(۴) زبان کرد گویا و دل کرد گرم

- پیش او کوثر نماید آب شور
چو شاخ خشک ز امکان نشو بیرون باد
ز ترس جهاندار با باد سرد
بیاراست لب را به گفتار نرم

۵۱- در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ آرایهٔ «حس آمیزی» یافت می‌شود.

- از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید
آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
چشم گویا، عذر می‌خواهد لب خاموش را

- (۱) بالبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ
(۲) در پس آینه، طوطی صفت‌م داشته‌اند
(۳) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
(۴) در جواب هر سوآلی حاجت گفتار نیست

۵۲- کدام ابیات با آرایهٔ «حس آمیزی» آراسته شده‌اند؟

- (الف) گر بگریم تر شود دامن مرا
(ب) زین ترش‌رو، خاک صورت‌ها کنیم
(ج) از لطف^۱ و آن سخن چرب، کرد
(د) آمد از پرده به مجلس، عرقش پاک کنید

- تو مرا در عشق، تر دامن نهی
خندهٔ پنهانش را پیدا کنیم
خلق جهان طالبش و دوستدار
تا نگویند حریفان که چرا دوری کرد

(۴) ج - د

(۳) الف - ج

(۲) ب - ج

۵۳- در کدام بیت، کلمهٔ «جهان» در معنای مجازی به کار رفته است؟

- (۱) هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد
(۲) هر که آمد به جهان، نقش خرابی دارد
(۳) ای شاهد شاهدان عالم
(۴) مرا خود با تو چیزی در میان هست

- هم رونق زمان شما نیز بگذرد
در خرابات بگویند که هشیار کجاست
معشوق به‌جز تو در جهان کیست
وگرنه روی زیبا در جهان هست

۵۴- در همهٔ بیت‌ها به‌جز بیت آرایهٔ «مجاز» دیده می‌شود.

- (۱) فردا چو پیشگاه حقیقت شود پدید
(۲) چون می از خم به سبزو رفت و گل افکند نقاب
(۳) بنال بلبل اگر با منت، سر یاری است
(۴) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت

- شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
فرصت عیش نگه‌دار و بزن جامی چند
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
آتش بود در این خانه که کاشانه بسوخت

۵۵- واژهٔ «سینه» در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ در معنای مجازی به کار رفته است.

- (۱) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
(۲) زین آتش نهفته که در سینه من است
(۳) مدعی خواست بیاورد به تماشاگاه راز
(۴) سینه تنگ من و بار غم او هیئات

- آتش بود در این خانه که کاشانه بسوخت
خورشید، شعله‌ای است که در آسمان گرفت
دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد
مرد این بار گران نیست دل مسکینم

۵۶- در کدام بیت، قافیه، «جناس» دارد؟

- (۱) الهی فضل خود را یار ما کن
(۲) چو در وقت بهار آیی پدیدار
(۳) فروغ رویت اندازی سوی خاک
(۴) زهی گویا ز تو، کلام و زبانم

- ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
حقیقت، پرده برداری ز رخسار
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
تویی هم آشکارا، هم نهانم

۱. توفیق الهی، نیکویی، هدیه

۶۶- ترتیب چینش آرایه‌های «اغراق، مجاز، استعاره، جناس و کنایه» در ابیات کدام گزینه آمده است؟

- الف) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
ب) گه به دهان، برزده کف چون صدف
ج) نعره برآورده، فلک کرده کر
د) ابر ز من، حامل سرمایه شد
ه) در بُن این پرده نیلوفری

۱) ج، ه، د، الف، ب ۲) ج، د، ه، ب، الف ۳) ب، ج، د، الف، ه ۴) ب، ه، ج، د، الف

۶۷- در کدام گزینه، آرایه «حُسن تعلیل» (آوردن دلیل زیبا و شاعرانه) دیده می‌شود؟

- ۱) چو در وقت بهار آیی پدیدار
۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک
۳) گل از شوق تو خندان در بهار است
۴) تویی رزاق هر پیدا و پنهان

۶۸- در کدام بیت، تمامی آرایه‌های «تشخیص، تشبیه، حس آمیزی و تناسب» دیده می‌شود؟

- ۱) در سکوت شامگاهان بر مزار آرزوها
۲) فریب شمع چو پروانه خورده‌ام بسیار
۳) در خراب‌آباد گیتی ناشناس افتاده‌ام
۴) جان چو پروانه به پای تو فشاندم که چو شمع

۶۹- ترتیب آرایه‌های «کنایه، تلمیح، جناس، واج آرایی و حس آمیزی» در ابیات کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف) آشنایی به کسی نیست در این خانه مرا
ب) نیست غیر از گرم رفتاری در این ظلمت سرا
ج) در راه انتظار بسی چشم دوختم
د) مرغ دل من پر زد و افتاد به دامش
ه) در مقامی که ضعیفان کمر کین بندند

۱) ب، الف، د، ج، ه ۲) ب، الف، ج، د، ه ۳) ج، ه، د، ب، الف ۴) ج، ه، الف، د، ب

۷۰- در کدام گزینه، علاوه بر «تضاد»، از «تلمیح» نیز استفاده شده است؟

- ۱) به غنیمت شمر ای دوست، دم عیسی صبح
۲) زخم خونینم اگر به نشود، به باشد
۳) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد
۴) پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است

۷۱- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- «کس ندیدیم که تلخی نشنیدیم از او»
۱) تضاد، تشبیه، حس آمیزی
۲) مراعات نظیر، تشخیص، کنایه
۳) تضاد، حس آمیزی، استعاره
۴) مراعات نظیر، تشبیه، تشخیص

(انسانی ۸۷)

۷۲- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» به کار نرفته است؟

- ۱) با من به سلام خشک، ای دوست، زبان تر کن
۲) ماگرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم، لیک
۳) تا تو را آن بو کشد سوی جنان
۴) آن بلبلم که چون کشم از دل صفیر گرم

۷۳- در کدام بیت آرایه «حس آمیزی» مشهود نیست؟

- ۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
۲) صد میکه خون بیش کشیده است لب من
۳) بی چشمه نوشی نشود ناله گلو سوز
۴) نشئه دیدار ساقی، رونق مستی شکست

(تجربی ۸۵)

کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
تا کار به رنگینی گفتار کشیده است
شیرین سخنی نی ز لب یار کشیده
هیچ کس بویی ز می در شیشه ساغر ندید

(انسانی ۸۶)

۷۴- در همه بیت‌ها به جز بیت «مجاز» مشهود است.

- ۱) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار
- ۲) ای زبان، هم گنج بی پایان تویی
- ۳) به یاد روی شیرین، بیت می‌گفت
- ۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند

(هنر ۸۵)

۷۵- در همه ابیات به جز بیت آرایه «حسن آمیزی» به کار رفته است.

- ۱) آخر این ناله سوزنده اثرها دارد
- ۲) زان لب که مژده نفسش آب زندگی است
- ۳) ز اضطراب دل و لکننت زبان پیداست
- ۴) رنگین سخنان در سخن خویش نهان‌اند

(فارغ از کشور ۸۴)

۷۶- در همه ابیات به جز بیت آرایه «حسن آمیزی» مشهود است.

- ۱) به زبان چرب جانا بنواز جان ما را
- ۲) گر مکرر سخن تلخ بگوید معشوق
- ۳) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد
- ۴) ز طبع خسته من، عذر خامشی می‌پذیر

((بان ۸۴))

۷۷- در کدام عبارت، آرایه «مجاز» هست؟

- ۱) از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
- ۲) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام
- ۳) در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است
- ۴) نالم به دل چو نای، من اندر حصار نای

(المپیاد ادبی)

۷۸- در تمام گزینه‌ها «تشخیص» به کار رفته است به جز در گزینه

- ۱) روز در آغوش آسمان زیبا بدرود حیات گفت.
- ۲) این بوته‌ها و اسلیمی‌ها چه می‌خواهند بگویند؟
- ۳) اصفهان، مانند شاهزاده افسون‌شده افسانه‌هاست.
- ۴) بید مجنون، زلف‌های خود را بر او افشانده است.

(المپیاد ادبی)

۷۹- در کدام گزینه، شاعر از «حسن آمیزی» بهره برده است؟

- ۱) آن دل گرم که جان داشت هنوز
- ۲) از زمین، باز چو برخاست، نمود
- ۳) دید کز آن دل آغشته به خون
- ۴) آه، دست پسرم یافت خراش

تاریخ ادبیات

۸۰- کتاب «الهی‌نامه» به و خالق آن، است.

- ۱) نظم - مولوی
- ۲) نثر - مولوی
- ۳) نظم - عطار
- ۴) نثر - عطار

۸۱- شعر زیر، در چه «قالبی» سروده شده است و «سراینده» آن کیست؟

- ۱) یکی قطره باران ز ابی‌ری چکید
- ۲) که جایی که دریاست، من کیستم؟
- ۳) چو خود را به چشم حقارت بدید
- ۴) بلندی از آن یافت، کاو پست شد

- ۱) مثنوی - سعدی
- ۲) قطعه - سعدی
- ۳) مثنوی - ناصرخسرو
- ۴) قطعه - ناصرخسرو

قلمرو فکری

۸۲- بیت «به نام کردگارِ هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) به نام خداوند بینش‌طراز
- ۲) خداوند هفت آسمان و زمین
- ۳) آدمی را ز خاک پیدا کرد
- ۴) خدایا چنان کن سرانجام کار

۸۳- بیت «به نام کردگارِ هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱) خدا گر ز حکمت ببندد دری
- ۲) خلاف طریقت بود کالیا
- ۳) خداوند ناهید و گردان سپهر
- ۴) به بینندگان آفریننده را

۸۴- بیت کدام گزینه با سایر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) الهی، فضلِ خود را یار ما کن
- ۲) ز محبتت نیارم که نظر کنم به رویت
- ۳) به درویش محتاج بخشش نمای
- ۴) به کرشمه عنایت نظری به حال ما کن

۸۵- بیت «الهی، فضلِ خود را یار ما کن / ز رحمت، یک نظر در کار ما کن» با کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) خوف ما از عدل یزدان و رجا از فضل اوست
- ۲) با او به فضل کار کن ای مفضل کریم
- ۳) ظلم بر باد اندر آید عدل گردد برقرار
- ۴) گر فضل کنی ندارم از عالم پاک

۸۶- بیت «تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان / تویی خَلّاقِ هر دانا و نادان» با کدام بیت ارتباط معنایی کمتری دارد؟

- ۱) از در بخشندگی و بنده‌نوازی
- ۲) چو دانا و نادان شدند از تو شادان
- ۳) ای کریمی که از خزانه غیب
- ۴) خدایی که در مغز هوش آفرید

۸۷- کدام گزینه با بیت «زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم» ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) این همه گفتیم لیک اندر بسیج
- ۲) سپاس آفریننده پاک را
- ۳) طوطی گویا شدم چون شکرستانم اوست
- ۴) گرچه بیدل، شیشه من از فلک آمد به سنگ

۸۸- بیت «چو در وقتِ بهار آبی پدیدار / حقیقت، پرده برداری ز رُخسار» با کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) یار بی‌پرده از در و دیوار
- ۲) بهار آمد و گلزار نورباران شد
- ۳) رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
- ۴) ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه

۸۹- کدام گزینه پیام متفاوتی دارد؟

- ۱) چو در وقتِ بهار آبی پدیدار
- ۲) فروغِ رویت اندازی سوی خاک
- ۳) از جلوه وجود تو ظلمت‌سرای خاک
- ۴) جلوه‌ای کرد رُخت دید ملک عشق نداشت

۹۰- بیت «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار» با کدام گزینه ارتباط کمتری دارد؟

- ۱) از پای تا به سر همگی دیده‌ها شوید
- ۲) فروغِ رویت اندازی سوی خاک
- ۳) گل از شوق تو خندان در بهار است
- ۴) تا رفتنش ببینم و گفتنش بنگرم

۹۱- بیت «فروغِ رویت اندازی سوی خاک / عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک» با کدام بیت قرابت بیشتری دارد؟

- (۱) عجب علمی است علم هیئت عشق
- (۲) این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
- (۳) عجب است اگر توانم که سفر کنم ز کویت
- (۴) عاشقم بر لطف و بر قهرش به جد

۹۲- بیت «گل از شوقِ تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» با کدام گزینه قرابت کمتری دارد؟

- (۱) گل آن جهانی است نگنجد در این جهان
- (۲) ز آب بی‌رنگ صدهزاران رنگ
- (۳) عیار شوق بلبل را نمی‌دانم همین دانم
- (۴) گل از پی قدم تو در گلشن آمده‌است

۹۳- بیت «گل از شوقِ تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- (۱) ای گل بوستان‌سرا از پس پرده‌ها برآ
- (۲) از اشتیاق روی تو ای نوبهار حسن
- (۳) گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت
- (۴) ای گل فروش گل چه فروشی به جای سیم

۹۴- بیت «هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی» با کدام بیت ارتباط معنایی کمتری دارد؟

- (۱) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
- (۲) نور وی آرایش بود همه
- (۳) اصل ایمان بگو عنایت حق
- (۴) شرح گل گفتیم از بهر خدا

۹۵- بیت «هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- (۱) هر نعت که در وصف مثالش بشنودم
- (۲) هر چه گویند آخری دارد به غیر از حرف عشق
- (۳) با وصف تو لا نبی بعدی
- (۴) چند گویی که وصف خواجه بگوی

۹۶- بیت «نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی» با همهٔ گزینه‌ها قرابت معنایی دارد به جز بیت

- (۱) مرا گویی چه سانی من چه دانم
- (۲) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
- (۳) من چگونه هوش دارم پیش و پس
- (۴) تو کی دانی که لیلی چون نکویی است

۹۷- بیت «نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- (۱) چگونه یک قدم از خویشتن نهم بیرون
- (۲) ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست
- (۳) گنه‌کارم ز فعل خود گنه‌کار
- (۴) چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود

۹۸- بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغلزن، چهره‌نما، تیزپا» با کدام بیت قرابت معنایی کمتری دارد؟

- (۱) بیامد به کردار باد دمان
- (۲) خرامان بشد پیش آب روان
- (۳) سالکان خودنما قطع بیابان می‌کنند
- (۴) خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود

۹۹- بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیز پا» با کدام بیت قرابت بیشتری دارد؟

- (۱) می‌رفت سرشک‌ریز و رنجور
- (۲) رفت از پس آهوان شتابان
- (۳) می‌رفت و نگه نکرد با من
- (۴) او می‌رود دامن‌کشان من زهر تنهایی‌چشان

۱۰۰- توصیف مطرح‌شده در بیت «گه به دهان، برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی
- (۲) تا هست ز شصت دور در سرعت
- (۳) خروشان ژرف بی‌پهنا کف‌آلود
- (۴) از اول امروز چو آشفته و مستیم

۱۰۱- بیت «گه به دهان، برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» با کدام بیت قرابت بیشتری دارد؟

- (۱) عالمی در حمایت کف توسست
- (۲) کف دریاست صورت‌های عالم
- (۳) آن یکی بر دهان کف آورده
- (۴) از کف ساقیان دریا کف

۱۰۲- مفهوم بیت «گفت: درین معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم» از کدام بیت دور تر است؟

- (۱) نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا
- (۲) بگماشت بلای تاج بر کشور خویش
- (۳) پس برآمد پوستش رنگین‌شده
- (۴) بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت

۱۰۳- مفهوم بیت «گفت: درین معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم» از کدام بیت بیشتر قابل برداشت است؟

- (۱) کسی جواهر تاج تو را نخواهد برد
- (۲) بر فرق روزگار تویی تاج ملک‌بخش
- (۳) ز روز معرکه گر نصرت انتظار کنند
- (۴) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است

۱۰۴- بیت «چون پندوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) دلپذیر است ز نزدیکی گل نشتر خار
- (۲) ماهی و مرغ ز محبوب خدا باخبرند
- (۳) محبوب خود و محبت خویشیم
- (۴) شد نامهٔ محبوب خط بندگی من

۱۰۵- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) جامی است که عقل آفرین می‌زندش
- (۲) کعبه منم، قبله منم، سوی من آرید نماز
- (۳) چون پندوم، سبزه در آغوش من
- (۴) بوسه‌ای زان دهن تنگ بده یا بفروش

۱۰۶- بیت «چون بگشایم ز سر مو، بشکن / ماه ببیند رخ خود را به من» با کدام گزینه هیچ مفهوم و تصویرسازی مشترکی ندارد؟

- (۱) بگشود گره ز زلف زرتار
- (۲) زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم
- (۳) ای ز شوخی‌های حسنت محو پیچ و تاب‌ها
- (۴) بالای خود در آینهٔ چشم من ببین

۱. آب‌سوار

۲. عماری: کجاوه، اتاقک چوبی که پشت شتر می‌گذارند و سوار می‌شوند.

۱۲۴- مفهوم بیت «چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید» با کدام گزینه ارتباطی ندارد؟

- ۱) پرورش آموختگان ازل
- ۲) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
- ۳) به ذره تربیتش کار آفتاب آموخت
- ۴) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

۱۲۵- باور کهن موجود در بیت «چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید» در مورد «قطره باران»، در کدام گزینه دیده نمی شود؟

- ۱) حقیر تا نشماری تو آب چشم فقیر
- ۲) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
- ۳) قطره چون در و گهر می شود از جوشش بحر
- ۴) تا کدامین قطره گردد قبل تاج گهر

۱۲۶- پیام بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» از همه گزینه ها به جز برداشت می شود.

- ۱) «اوحدی» بر درش افتادگی از دست مده
- ۲) بی نیاز است از دلیل و رهنما افتادگی
- ۳) عاشق از نیستی آستن هستی گردد
- ۴) کرد شب نم را به خورشید آشنا افتادگی

۱۲۷- مفهوم عبارت «تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم» از کدام بیت دور تر است؟

- ۱) طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی
- ۲) ما نگویم بد و میل به ناحق نکنیم
- ۳) گل بخندید که از راست نرنجیم ولی
- ۴) چو سرو از راستی بر زد علم را

۱۲۸- عبارت «تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) جماعتی که نظر را حرام می گویند
- ۲) علم و حکمت زاید از لقمه حلال
- ۳) تن و دلی که بنوشید از این ریح (شراب) حلال
- ۴) در مذهب ما باده حلال است ولیکن

۱۲۹- مفهوم عبارت «تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.» در کدام بیت دیده نمی شود؟

- ۱) عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است
- ۲) من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش
- ۳) این چه عیب است کز آن عیب خلل خواهد بود
- ۴) غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

۱۳۰- مفهوم عبارت «تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.» در کدام گزینه مشهود نیست؟

- ۱) دست طمع چو پیش کسان می کنی دراز
- ۲) اطعام، رزق روح و طعام است رزق تن
- ۳) بر در شاهی گدایی نکته ای در کار کرد
- ۴) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده گویی

۱۳۱- مفهوم عبارت «تا قدم به بهشت نگذاشته ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.» از کدام بیت قابل برداشت نیست؟

- ۱) گر بهشت جاودان خواهی بیا
- ۲) شیر حقم نیستم شیر هوا
- ۳) مبر طاعت نفس شهوت پرست
- ۴) بهشت جاودان یابند فردا

درس یکم: ستایش (به نام کردگار) - چشمه - گنج حکمت (خلاصه دانش‌ها)

فارسی ۱۰

قلمرو زبانی

واژگان

واژه‌نامه

افلاک: (جمع فلک)، آسمان، چرخ
فضل: بخشش، کرم، نیکویی، دانش
رزاق: روزی دهنده
زهی: آفرین (احسن، خوشا)
کام: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان (آرزو)
فروغ: روشنایی، پرتو
غلغله زن: شور و غوغاکنان (غلغله: شور، غوغا، هیاهو)
تیزپا: شتابنده، سریع
معرکه: میدان جنگ، جای نبرد
گلبن: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل
شکن: پیچ و خم زلف
پیرایه: زیور (زینت)
برازندگی: شایستگی، لیاقت
نیلوفری: (صفت نسبی، منسوب به نیلوفر)، به رنگ نیلوفر؛ در این جا مقصود از «پرده نیلوفری» آسمان لاچوردی است. ← [در بُن این پرده نیلوفری]
نَمَط: روش، نوع
نادره: بی نظیر، بی مانند
یله: رها، آزاد (یله دادن: تکیه دادن)
هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم
ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت
خیره: سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده
تعلل: بهانه آوردن، درنگ کردن
فرج: گشایش، گشایش در کار و مشکل
قفا: پس گردن، پشت گردن، پشت
مفتاح: کلید

واژه‌های دیگر

کردگار: آفریننده، خالق، پروردگار

پیدا کردن: آفریدن، به وجود آوردن، آشکار کردن
رحمت: مهربانی، لطف، بخشايندگی
خلاق: آفريننده، خلق کننده، آفریدگار
گویا: (صفت فاعلی) گوینده، سخن گو
حقیقت: در اینجا به معنی «حقیقتاً، به راستی»
← [حقیقت، پرده برداری ز رخسار]
رخسار: چهره، صورت
عجایب: (جمع عجیب)، چیزهای شگفت‌آور و بدیع
شوق: دل بستگی، میل و علاقه شدید، اشتیاق
جان: روح، جوهره و اصل هر چیز (جانِ جان: روح اعظم)
عقاز: عطر فروش، فروشنده داروهای گیاهی
یکتا: بی نظیر، بی مانند
برزده: بالا آورده ← [گه به دهان، برزده کف چون صدف]
زو: مخفف از او
دمیدن: روئیدن، سرزدن ← [زو بدمد بس گهر تابناک]
تابناک: درخشان
گهر: (مخفف گوهر)، هر نوع سنگ قیمتی مانند مروارید، یاقوت و ...
خجلی: شرمندگی (خجل: شرمنده)
گریبان: یقه، جیب
حامل: حمل کننده، صاحب، باربر
پرتو: فروغ و روشنایی، بازتاب نور
بُن: پایان، انتها، ته؛ در اینجا به معنی «زیر»
← [در بُن این پرده نیلوفری]
همسری: برابری، رقابت، زن و شوهری؛ در اینجا به معنی «برابری و رقابت» ← [کیست کند با چو منی همسری؟]
زهره: کیسه صفا (مجازاً جرئت، شهامت)
راست: در اینجا به معنی «درست» ← [راست به مانند یکی از زلزله]
بحر: دریا
بهر: بهره، سود (بهر: برای)
سهمگن (= سهمگین): ترسناک، ترس آور، مهیب
نعره: فریاد و فغان، بانگ بلند
حقارت: کوچکی، پستی، خواری
حقاً: به راستی، به درستی، از روی حقیقت
نفس: وجود، ذات، جان
هوا: میل، آرزو، خواهش
هوای نفس: میل و هوس
خصلت: خوی، خلق، طبع، صفت خوب یا بد
حکمت: دانش، علم، پند
صاحب دل: عارف، آگاه
صلوات: (جمع صلات)، درودها، نمازها
ترکیب‌های کنایی
پرده برداشتن: آشکار کردن
خندان بودن گل: شکفتن گل
نظر در کار کسی کردن: به کسی توجه نمودن
چهره نما: خودنما
تیزپا: سریع و شتابنده
تاج سر بودن: مایه افتخار و بزرگی بودن
سربه گریبان بردن: خجالت کشیدن
گوش فلک کر کردن: بانگ بلند برداشتن
قدم در کشیدن: عقب نشینی کردن
در نیستی کوبیدن: خود را نادیده و ناچیز گرفتن
دیده سیه کردن: خشمگین شدن
زهره در شدن: ترسناک شدن

۱. این واژه در فارسی (۲) در برابر «نمد» به معنای «پارچه‌ای گلُفت که از پشم یا کرک مالیده می‌سازند و از آن، جامه و کلاه و فرش درست می‌کنند.» و در فارسی (۳) به معنای «بساط شطرنج» نیز آمده است.

املا

گروه‌های املائی با روابط واژگانی

معرفت و عرفان (هم خانواده)	مهلکه و هلاکت (هم خانواده)	فضل و فاضل (هم خانواده)
منسوب و نسب (هم خانواده)	یله و رها (ترادف)	نظر و ناظر (هم خانواده)
منصوب و نصب (هم خانواده)	حقارت و زبونی (ترادف)	رژاق و خلاق (تناسب)
	بحر و برّ (تضاد)	زهی و احسنت (ترادف)
	سهمگین و مهیب (ترادف)	فروغ رخسار
	نعره و فغان (ترادف)	عجایب و عجیب (جمع و مفرد)
	خیره و بُهت زده (ترادف)	عطار و عطر (هم خانواده)
	حادثه و واقعه (ترادف)	غلغله و غوغا (ترادف)
	حرام و محرم (هم خانواده)	معرکه و کارزار (ترادف)
	هوای نفس	حامل و حمل (هم خانواده)
	هوا و هوس (ترادف)	پیرایه و زیور (ترادف)
	حواس و توجه (ترادف)	صاحب و تصاحب (هم خانواده)
	غافل و جاهل (تناسب)	برازندگی و لیاقت (ترادف)
	مفتاح و فتح (هم خانواده)	نمط و نوع (ترادف)
	قفا و قافیه (هم خانواده)	زهره و جرئت (ترادف)
	خصلت و طبع (ترادف)	خواست و طلب (ترادف)
	خصایل و خصلت (جمع و مفرد)	ورطه و مهلکه (ترادف)
	حکمت و معرفت (تناسب)	

املائی واژه‌های هم‌آوا و متشابه

بحر: دریا
بهر: بهره، نصیب (بهر / از بهر: برای)
منسوب: نسبت داده شده
منصوب: گماشته شده
انتساب: نسبت دادن
انتصاب: گماشتن
خواست: طلب و خواهش
خاست: برخاست، بلند شد
حلال: جایز، مُباح
هلال: ماه نو
نگار: نگاه، نگارش
نذر: شرط و پیمان

دستور زبان

روابط واژگانی

رابطه میان واژگان	تعریف	مثال
۱ هم‌آوایی	تلفظ واژه‌ها یکسان، ولی معنی و املائی آنها متفاوت است.	آلم (درد)، عَلم (پرچم) / سفیر (فرستاده)، صغیر (بانگ، صدا)
۲ هم‌خانواده	واژه‌ها از یک مصدر یا دارای حروف اصلی مشترک هستند.	۱- از مصدر فارسی (رفتن ← رونده، روا، روان، روش، رفتار، رفته) ۲- دارای حروف اصلی مشترک عربی (ع، ل، م ← علم، عالم، علوم، معلّم، معلوم، تعلیم، تعلّم، علما، علیم)
۳ ترادف	واژه‌ها هم‌معنی و یا در یکی از معانی خود، مشترک هستند.	(علم و دانش)، (عشق و محبت)، (زلّت و لغزش)
۴ تضاد	واژه‌ها متضاد و دارای معنی مخالف هم هستند.	(زلّت و عزّت)، (فروغ و ظلمت)، (سفر و حَضَر)
۵ تناسب	واژه‌ها با یکدیگر متناسب و از یک شبکه معنایی هستند.	(گل و بلبل)، (شمع و پروانه)، (دفتر و قلم)
۶ تضمّن	یک واژه کل و واژه دیگر جزء و زیرمجموعه آن است.	(گل و نرگس)، (ورزش و شنا)، (کبوتر و پرنده)

نکته: برای پیدا کردن رابطه «تضمّن» می‌توان از این روش استفاده کرد: گل و نرگس ← نرگس، نوعی گل است. / ورزش و شنا ← شنا، نوعی ورزش است؛ در واقع، یکی از دو واژه عام و دیگری خاص همان نوع است.

جمله

نهاد + گزاره ← جمله

ستارگان در آسمان می‌درخشند.

نهاد گزاره

فعل: مهم‌ترین عضو گزاره است که از «بن ماضی یا مضارع + شناسه» ساخته می‌شود. نهاد جمله را از روی شناسه فعل آن تعیین می‌کنیم. در جمله بالا، «می‌درخشند» فعل است و شناسه «-ند» ما را به نهاد جمله، یعنی «ستارگان» راهنمایی می‌کند.

۱. روان به معنی رونده (روان به معنی جان، واژه ساده است).

هر جمله حداقل دو و حداکثر چهار جزء دارد. تعداد اجزای هر جمله به «ظرفیت فعل» آن جمله بستگی دارد. منظور از ظرفیت فعل، کم‌ترین اجزایی است که فعل برای اجرا شدن به آن نیاز دارد؛ برای مثال در جملهٔ بالا «می‌درخشند» فعلی است که برای اجرا شدن، فقط به نهاد نیاز دارد؛ و متمم در اجرای آن نقشی ندارد. ستارگان در آسمان می‌درخشند ← ستارگان می‌درخشند.

الگوهای ساخت جمله ۱

۱ نهاد + فعل ← باران بارید.

گزارهٔ این‌گونه جمله‌ها را «فعل» تشکیل می‌دهد؛ به عبارتی فعل آنها «یک ظرفیتی» است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز دارد. باران (نهاد) + بارید (فعل) چون فعل «بارید» یک ظرفیتی است؛ اگر جملهٔ مذکور را گسترش دهیم باز هم دارای الگوی «نهاد + فعل» است:

مثال دیروز در شهر ما باران بارید. ← باران (نهاد) + بارید (فعل)؛ اجزای دیگر مانند قید یا متمم قیدی، قابل حذف هستند.

مهم‌ترین مصدرهایی که جمله‌های دوجزئی با الگوی «نهاد + فعل» می‌سازند، عبارت‌اند از:

«آمدن، رفتن، دویدن، خزیدن، لرزیدن، پریدن، برخاستن، تابیدن، ترکیدن، جوشیدن، چرخیدن، زیستن، خوابیدن، نشستن، افتادن، روییدن و ...»

مثال

* خسرو مثل شاخ شمشاد آمد. ← خسرو (نهاد) + آمد (فعل)

* قطرهٔ باران که در افتد به خاک
زو بدمد بس گهر تابناک

قطرهٔ باران که در افتد به خاک ← قطرهٔ باران (نهاد) + در افتد (فعل)

* چشمهٔ کوچک چو به آن‌جا رسید
وان همه هنگامهٔ دریا بدید

چشمهٔ کوچک چو به آن‌جا رسید ← چشمهٔ کوچک (نهاد) + رسید (فعل)

۲ نهاد + مفعول + فعل ← اخوان ثالث شعر زمستان را سرود.

گزارهٔ این‌گونه جمله‌ها را «مفعول و فعل» تشکیل می‌دهد. به عبارتی فعل آنها دو ظرفیتی است؛ یعنی علاوه بر نهاد به مفعول هم نیاز دارد و چنانچه با اجزای دیگری همراه باشد، آن اجزا قابل حذف‌اند.

اخوان ثالث (نهاد) + شعر زمستان (مفعول) + سرود (فعل)

اخوان ثالث در سال ۱۳۵۵ شعر زمستان را سرود. ← اخوان ثالث (نهاد)، شعر زمستان (مفعول) + سرود (فعل).

مهم‌ترین مصدرهایی که جمله‌های سه‌جزئی با الگوی «نهاد + مفعول + فعل» می‌سازند، عبارت‌اند از: «آوردن، دیدن، خوردن، پوشیدن، فرستادن، انداختن، یافتن، راندن، بردن، شستن، گشودن، کاشتن، مکیدن، چشیدن، بستن، سرودن، پیمودن، شناختن و ...»

مثال

* آذرباد، آموزگار خود را شناخت. ← آذرباد (نهاد) + آموزگار خود (مفعول) + شناخت (فعل)

* چون بگشایم ز سر مو شکن
ماه ببیند رخ خود را به من

چون بگشایم ز سر مو شکن ← [من] (نهاد) + شکن (مفعول) + بگشایم (فعل)

ماه ببیند رخ خود را به من ← ماه (نهاد) + رخ خود (مفعول) + ببیند (فعل)

۳ نهاد + متمم + فعل ← ما به سرزمین خود می‌بالیم.

گزارهٔ این‌گونه جمله‌ها را «متمم و فعل» تشکیل می‌دهد؛ به عبارتی فعل آنها دو ظرفیتی است؛ یعنی علاوه بر نهاد، به متمم هم نیاز دارد. فعل این‌گونه جمله‌ها حرف اضافهٔ اختصاصی دارند؛ برای مثال: «بالیدن به».

ما (نهاد) + سرزمین خود (متمم) + می‌بالیم (فعل)

مهم‌ترین مصدرهایی که جمله‌های سه‌جزئی با الگوی «نهاد + متمم + فعل» می‌سازند، عبارت‌اند از:

«رنجیدن (از)، جنگیدن (با)، پیوستن (به)، اندیشیدن (به)، گرویدن (به)، بازماندن (از)، گنجیدن (در)، شوریدن (بر)، بالیدن (به) و ...»

مثال

* ما از خطرات راه نمی‌هراسیم. ← ما (نهاد) + خطرات راه (متمم) + نمی‌هراسیم (فعل)

* مؤمن هرگز به بدگویی نمی‌پردازد. ← مؤمن (نهاد) + بدگویی (متمم) + نمی‌پردازد (فعل)

* جان به حق پیوست چون بی‌هوش شد
موج رحمت آن زمان در جوش شد

جان به حق پیوست. ← جان (نهاد) + حق (متمم) + پیوست (فعل)

۱. اغلب الگوهای ساخت جمله در درس هفتم فارسی (۳) به بحث گذاشته شده است؛ اما از آنجا که در قلمروهای زبانی برخی از کارگاه‌های متن‌پژوهی، اجزای جمله و یا نقش‌های اصلی پرسش شده است، ما در اینجا الگوهای ساخت جمله را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

گاهی اجزای جمله - به ویژه در شعر - برای ایجاد وزن و آهنگ، جابه‌جا می‌شوند که به این جابه‌جایی «شیوه بلاغی» گفته می‌شود. در درس یازدهم در مبحثی جداگانه به شیوه بلاغی پرداخته شده است.

غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
قید قید قید	فعل نهاد متمم قیدی مسند
می‌کند از پرتو من زندگی	گل به همه رنگ و برازندگی
فعل متمم قیدی مفعول	نهاد متمم قیدی

تست نمونه: تجربی ۹۸

در همهٔ مصراع‌ها: «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز:

- (۱) درون فروماندگان، شاد کن
(۲) خداوند زر برکند چشم دیو
(۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران
(۴) مرگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت
- پاسخ:** گزینهٔ (۲)؛ مصراع این گزینه، دارای الگوی «نهاد + مفعول + فعل» است. خداوند زر (نهاد) + چشم دیو (مفعول) + برگند (فعل) / بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) [تو] (نهاد) + درون فروماندگان (مفعول) + شاد (مسند) + کن (فعل) (۳) [من] (نهاد) + سیرت سروران (مفعول) + کرم (مسند) + خوانده‌ام (فعل) (۴) مرگان تو (نهاد) + دل (مفعول) + هدف تیر ستم (مسند) + ساخت (فعل)

قلمرو ادبی

حسن آمیزی

○ به بیت زیر توجه کنید.

«از حلقه گسسته شد زنجیر سخن / طعم سخنم همچو غسل خواهد بود»

«سخن»، شنیدنی است یا چشیدنی؟

مسلماً «سخن»، امری شنیدنی است؛ اما در اینجا شاعر به سخن «طعم» داده است که مربوط به «حس چشایی» است. به عبارتی «حس شنوایی» را با «حس چشایی» در هم آمیخته است؛ همان‌گونه که نیما نیز در بیت زیر، در ترکیب «شیرین سخنی» این دو حس را به هم در آمیخته است.

«لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند»

○ حافظ نیز در بیت زیر، برای «صدا» که امری شنیدنی است، از صفت «بینایی» استفاده کرده است؛ یعنی به جای «شنیدن»، فعل «دیدن» را به «صدا» نسبت داده است.

«از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر / یادگاری که در این گنبد دوار بماند»

به چنین کاربردی، یعنی آمیختن دو یا چند حس در کلام، «حسن آمیزی» می‌گویند.

○ حسن آمیزی به دو شکل می‌آید:

① ترکیبی: قرار گرفتن در ساختار یک ترکیب؛ مانند «طعم سخن» و «شیرینی سخن» در مثال‌های اول و دوم و ترکیباتی از قبیل: پاسخ سرد (شنوایی + لامسه)، قیافهٔ بانمک (بینایی + چشایی)، لبخند نرم (بینایی + لامسه)

② غیر ترکیبی: قرار گرفتن در ساختار جمله؛ مانند آوردن فعل «دیدن» به جای «شنیدن» برای «سخن» در مثال سوم، و نیز آوردن فعل «شنیدن» به جای «بوییدن» برای «سخن» در بیت زیر:

«بوی خوش تو هر که از باد شنید / از یار آشنا سخن آشنا شنید»

○ نمونه‌های بیشتری از حسن آمیزی

○ **نکته** در حسن آمیزی باید به حواس ظاهری پنج‌گانه توجه کرد؛ زیرا آن‌جا که احساسات و عواطف درونی و روحی مورد نظر باشد، حسن آمیزی شمرده نمی‌شود؛ مانند: گریهٔ لطف، خندهٔ تعجب، پیام روح‌نواز و ...

بوی خوش تو هر که از باد شنید / از یار آشنا سخن آشنا شنید

(شنیدن بو ← شنیدن: شنوایی / بوییدن: بویایی)

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین (زرّین) / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را

(ترانه‌های شیرین ← ترانه: شنوایی / شیرین: چشایی - بهانه‌های رنگین ← بهانه: شنوایی / رنگین: بینایی)

◉ **نکته ۱:** نمادها دارای وسعت معنایی هستند و با توجه به فرهنگ‌ها و موقعیت‌ها می‌توانند مفاهیم گوناگونی دربرداشته باشند؛ برای نمونه، «گل سرخ» در مفاهیم نمادینی از قبیل «عشق، طراوت، جوانی، عمر کوتاه و ...» به کار می‌رود.

◉ **نکته ۲:** تفاوت «نماد» با «استعاره» در این است که در استعاره با توجه به رابطه شباهت، واژه‌ای به جای کسی یا چیزی به کار می‌رود؛ ولی در نماد، واژه ضمن حفظ معنای اصلی خود، نشانه و مظهر ویژگی، صفت یا چیزی دیگر قرار می‌گیرد. برای مثال در ابیات زیر، در بیت «الف»، «لاله» با توجه به رابطه «شباهت» استعاره از «حضرت یوسف (ع)» است؛ اما در بیت «ب» شاعر خود را به «لاله» تشبیه کرده است و لاله در این بیت، نماد «رنگ سرخ» است:

الف) غلَم زد لاله‌ای از باغ یعقوب از او هم مرهم و هم داغ یعقوب
ب) لاله‌ای بودم به بستان خوب رنگ تازه و اکنون چو بر نیلوفر

◉ **نمونه‌های بیشتری از نماد**

بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم
(← لاله: نماد شهید)
بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند
(← نی: نماد غریب دورافتاده از وطن)
گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغل‌زن، چهره‌نما، تیزپا
(← چشمه: نماد افراد مغرور و خودخواه)
حسرت نبرم به خواب آن مُرداب کارام درون دشت شب خفته است
(← مرداب: نماد سستی و خاموشی)
گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش کسی که دوش به دوش سپیده می‌آید
(← سپیده: نماد منجی روشنگر)
آذرباد: «برای من مهم نیست که استخوان و پوست باشم. من می‌خواهم نهایت توانایی خودم را در کار پرواز بسنجم.»
(← آذرباد: نماد افراد بلندهمت و کمال‌طلب)

تست نمونه: تجربی ۹۲

در منظومه «صدای پای آب» از سهراب سپهری، توضیح مقابل کدام واژه نمادین، نادرست است؟

- (۱) چشمه: نماد پاکی، جوشش، لطافت و روشنی
(۲) گل نیلوفر: نماد توصیف صادقانه دنیای عاطفی خود شاعر است.
(۳) گل سرخ: نمادی از عشق، قلب انسان و زیبایی‌های جهان است.
(۴) پنجره: دریچه‌ای است از درون به بیرون و نشانگر احساس و ارتباط است.
پاسخ: گزینه (۲)؛ «گل نیلوفر» نماد «عرفان» است.

توجه: این درس مربوط به کتاب ادبیات عمومی دوره پیش‌دانشگاهی (نظام قدیم) است که به عنوان نمونه سؤال در اینجا ارائه شده است.

تاریخ ادبیات

الهی‌نامه (تعلیمی - نظم و در قالب مثنوی) ← عطار نیشابوری
چشمه و سنگ (تعلیمی - نظم و در قالب مثنوی) ← نیما یوشیج (علی اسفندیاری)
داستان‌های صاحب‌دلان (تعلیمی - به نثر) ← محمدی اشتهاردی

قلمرو فکری (قرابت معنایی)

موضوع و محتوا: ستایش خداوند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و دینی با توصیف پدیده‌های آفرینش، عجز و ناتوانی از توصیف حقیقت واحد (خدا)

چند کلیدواژه مهم

◉ **فضل:** در ادبیات فارسی «فضل» به معانی گوناگون به کار رفته است. یکی از معانی آن بخشش خداوند در برابر عدل اوست. شاعر از خداوند خواسته است تا به جای عدل، با فضل و رحمت به اعمال او نظر کند.

◉ **تجلی جمال خدا:** از دیدگاه عارفان خداوند در تمامی پدیده‌های آفرینش جلوه‌گر است و هر پدیده‌ای نشانگر اوست.

◉ **اصل وجود از خدا:** عرفا معتقدند که هیچ چیز وجود مستقلی ندارد و تمامی وجودها از وجود خداوند سرچشمه گرفته‌اند و اگر هر چیزی جان دارد، جان جانش، خداوند است.

ستایش (به نام کردگار)

« آغاز با نام خدا	به نام کردگارِ هفت افلاک	که پیدا کرد آدم از کفی خاک
« آفرینش آسمان‌ها	به نام خداوند بینش‌طراز	جهان‌داور آفرینش‌طراز
« آفرینش انسان از خاک	خداوند هفت آسمان و زمین	زمین‌گستر و آسمان‌آفرین
	آدمی را ز خاک پیدا کرد	خاک را محو و مات و شیدا کرد
« طلب فضل خدا	الهی، فضل خود را یار ما کن	ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
« طلب عنایت خدا	به درویش محتاج بخشش نمای	فروسته کارش به بخشش گشای
	به کرشمه عنایت نظری به حال ما کن	که دعای درمندان ز سر نیاز باشد
« فراگیر بودن رزاقیت خدا	تویی رزاق هر پیدا و پنهان	تویی خالق هر دانا و نادان
« خلاقیت خدا	از در بخشندگی و بنده‌نوازی	مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا
	خدایی که در مغز هوش آفرید	به تن آدمی با سروش آفرید
« گویایی انسان از خدا	زهی گویا ز تو، کام و زبانم	تویی هم آشکارا، هم نهانم
« همه چیز انسان از خدا	سپاس آفریننده پاک را	که گویا و بینا کند خاک را
	این همه گفتیم لیک اندر بسیج	بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ
« تجلی جمال خدا	چو در وقت بهار آیی پدیدار	حقیقت، پرده برداری ز رخسار
« افشای راز حق	یار بی‌پرده از در و دیوار	در تجلی است یا اولی‌الابصار
	ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه	مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه
« تجلی جمال خدا	فروغ رویت اندازی سوی خاک	عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
« شگفتی آفرینش	از جلو و وجود تو ظلمت‌سرای خاک	روشن‌تر از جمال بتان طراز باد
	این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود	هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
« شوق	گل از شوق تو خندان در بهار است	از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
« زیبایی گل	عیار شوق بلبل را نمی‌دانم همین دانم	که آتش زیر پا دارد گل از شوق گریبانش
	ز آب بی‌رنگ صدهزاران رنگ	لاله و گل نگر در این گلزار
« قابل توصیف نبودن خدا	هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی	یقین دانم که بی‌شک، جان جانی
« ایمان و یقین	نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی	نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
« اصل وجود از خدا	اصل ایمان بگو عنایت حق	سر ایمان شهادت مطلق
	نور وی آرایش بود همه	سایه او اصل وجود همه
« بی‌خبری	نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی	تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی
« دانای مطلق بودن خدا	مرا گویی چه سانی من چه دانم	کدامی وز کیانی من چه دانم
	تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی	تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

موضوع و محتوا: پرهیز از خودستایی، دعوت به خیر و نیکی

چند کلیدواژه مهم

● باران و مروارید: در ادبیات کهن ما باوری دیده می‌شود که بر اساس آن قطره بارانی که به دریا می‌افتد، صدف آن را در درون خود پرورش می‌دهد و به مروارید تبدیل می‌کند.

● کسب هستی از نیستی: در ادبیات تعلیمی، تواضع بسیار ستایش شده است و کسی که در تواضع به نیستی برسد، هستی جاودانه‌ای می‌یابد. همان‌طور که قطره خود را در دریا به نیستی می‌رساند ولی با هستی دریا در آمیخته، جاودانه می‌شود.

● بی‌نیازی از خلق: در ادب تعلیمی همواره بر بی‌نیازی و استغنا تأکید شده است. منظور از استغنا ثروتمند بودن نیست؛ بلکه منظور، داشتن حس بی‌نیازی از خلق است که این نوع بی‌نیازی از احساس نیاز مطلق به خداوند حاصل می‌شود.

چشمه

« سرعت	گشت یکی چشمه ز سنجی جدا	غُلغُلِه زن، چهره نما، تیزپا
« خودنمایی	بیامد به کردار باد دمان	به نزدیک پیران گشاده زبان
	سالکان خودنما قطع بیابان می‌کنند	واصلان چون آسمان در خویش جولان می‌کنند